

گزارش گالیندویل: سند محکومیت رژیم

ارگان هر کنی

سازمان امنیت ملی ایران اکبریت

گزارش سفر دوم گالیندویل، بیانگر نقض حقوق بشر در ایران و بطور مشخص‌تر، نقض دموکراسی، حقوق زنان و زندانیان سیاسی توسط رژیم آخوندی است.

گوزارت امور خارجه رژیم اعلام کرد که گزارش گزارش گالیندویل ارزش‌های اسلامی را نادیده گرفته و بجای حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر غربی را ملاک قرار داده است.

سیاست هنگام اظهار نظر در باره چگونگی اجرای حقوق بشر از انشای مویت خود خودداری کنند و اسامی واقعی خود را به زبان تایوانی نداشتند... گزارش های دریافت شده اگری است که زندانیان اعدام می‌شوند، مورد شکنجه و آزار قرار می‌گیرند، محاکمات، هلنی نیست و افراد احتمالی، حقوق بیرونی آخوندی است.

در گرماگرم بحر آن منطقه، گالیندویل وارد تهران شد تا برای گزارش چگونگی رعایت و یا نقض حقوق بشر در ایران برای سازمان ملل گزارش تعییه کنند. آقای گالیندویل در گزارش ۹۲ صفحه‌ای که پس از مسافرت و دیدار اخیر شاز ایران انتشار داده یادآور می‌شود که: «حقوق بشر در ایران بی‌میزان چشمگیری نقض می‌شود، بازداشت مخالفان ادامه دارد، شمر و ندان اعدام می‌شوند، شکنجه و بدر فتاوی اذناه می‌شود و دادگاه‌های حکومت فیض مادرانه است»...

نایابه ویژه کمیسیون حقوق بشر مogenین در گزارش خود نقض شدن حقوق اجتماعی زنان بیویه حقوق زندانیان. سیاست زن راین متنکر شده است درین گزارش مogenین امده است که علی‌رغم مرگونه جزاً ای از جنبه رژیم، کوهر داشت با تقول خطره شده بودند ولی مقامات حکومتی از داوطلب گفتگو با او شده بودند ولی مقامات حکومتی از این دیدار ممانعت بعمل آورند.

بقیه در صفحه ۲

گسترش مناسبات خارجی رژیم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ماه گذشته تصریک باز می‌بیشتری یافت، رفت و آمد های میان مقامات شکنجه دیگر و مسئولین جمهوری اسلامی، مذاکرات و تیز قرار داده ای معتقد فیباپیون، گویای این امر است. بعداز درگیری های وسیع بین جنابهای مختلف حکومیت بر سر مناسبات با دولت انگلیس، سرانجام روابطین دو بقیه در صفحه ۴

خلیج فارس: تقابل دو مشی

حقی ماه گذشته تمدیدات جنگی آمریکا علیه عراق نسبت به ماه قبل افزایش چشمگیری یافت. از سوی دولت آمریکانی و های نظامی تازه ای به منطقه اعزام شدند، پیشگویان اعلام کرده است که قسیل و احمدیه تازه همچنان ادامه خواهد یافت تا رقم کل نظامیان آمریکائی مستقر در عربستان و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس و آبهای منطقه به مرز ۴۳۵ هزار نفر برسد. میان میان ماه اعدام حسین اهلام کرد که رژیم عراق برای مذاکره بر سر مساله کویت و دیگر مسائل آماده است اما می‌پیش شرطی راندیز یزدیرد. از جانب دیگر امریکا و برخی از تندیکترین مخدوشین همچنان مرگونه مذاکره بر سر دعاوی عراق در کویت را مشروطه خرچ نظالمیان عراقی از خاک کویت و بازگشت به موقیت پیش از ۱۵ مرداد (روز ممله عراق به کویت) کرد. درین وضیعت این تراوی افزایش یافت که تلاشیانی که برای یافتن راه حل مسالمت آمیز جیریان داشت ممکن است به بن سمت رسیده باشد. حتی برخی از شخصیتی این تراوی شکنجهای دیپلماتیک آغاز عملیات نظامی را ترتیب الوقع اعلام کردند.

با وجود تیره‌گی اوضاع، مذاکرات میانجی گرانه یافت. طی ماه گذشته میانعه بین المللی با ادامه اجرای قاطعه‌های تحریم های اعمال شده از سوی شورای امنیت علیه عراق یک پارچگانی خود را و رژیم صدام بقیه در صفحه ۲

در این شماره

۱ در صفحه ۳

آچه‌ازاکبر می‌عافد

۴ در صفحه ۴

درباره نتایج کنگره اول سازمان

۶ در صفحه ۶

درباره هیئتی معزمه ها

دوره دوم - سال هفتم - شماره ۸۱

اول آذر ۱۳۶۹ - ۱۸-۱۸ صفحه ۸۵ ریال

فروکش نفسی سنتیزد رحکمیت

در گیری میان جناح های درون حاکمیت که در جریان انتخابات مجلس خبرگان و روزهای پس از آن به آتشانه یک رویائی تقطیعی و تبر آمیز رسیده بود، در پی مصالحه ای اضطراری و مصلحتی، روح به کاهش نماد، باقطع تصریض نیروهای وابسته به ائتلاف مسلط که در توظیه از نیمه دنیا ای انتکاپیا یافت، و با اطمینان تثبیت کروپی از

مشروطیت و در خواست او از نایابی انتخابات خبرگان مجلس جمهود پذیرش

با این ترتیب بر اتش جلالی که تانقی صلاحیت رهبری و

مشروطیت ولایت امری خانه ای پیش رفته بود،

خاکستری پاشه شد تا جلال، به عنصای تحمل پذیرش ترو

قابل مبارزه برای دستگاه حاکم کشانده شود و سر رشته کارها از دست نزد

در روزهای پس از برگزاری انتخابات خبرگان - بیویه ۲

بیانیه شورای مرکزی سازمان
پیامون تحولات منطقه و
اوضاع کشور در صفحه ۳

طرح کاریابی تشکیلاتی
در صفحه ۹

پریشو ازیست سالگی آن روز خجسته بهمن

نوزدهم یعنی ماه فروردین، آن روزی که با اعلام حضور نیروی فدائی، جنیش علیه رژیم دیکتاتوری شاه نیروی تازه ای گرفت. در شرایطی که شاه هر سال بیشتر از پیش پایه های دیکتاتور خویش را استوار می‌کرد، ساواک در بر این هرندی حق طلبانه و عدالت جویانه و هر چشم اهانتی سرکوبی بیشتر از پیش اعمال می‌کرد، در شرایطی که تشت و رخوت ناشی از شکست های پیشین در جنیش ملی و مردمی به تشت و رخوت فوج کنده بیشتری می‌انجامید، سیاکل خلخوتیار با اعلام حضور نیروی ای دلاور و مصمم، شوق و شوری آفرید که جنبش به آن نیاز داشت. سرختنی و استواری نیروی فدائی در ادامه بیارزه و در روپار و قیاسی این بیارزه و خوبیار، اعتماد اطمینان را به قوه بیارزه باز گرداند و بیارزین سیاسی را در دم شاندیزیروی بر خاسته از سیاهکل که خود را چریک فدائی خلق می‌دانست، توانست بیارزه سیاسی گسترده ترین بخش نیروی وسیع اما پر اینده جنبش به آن نیاز داشت. سرختنی و استواری آزادخواهانه، عدالت پژوهانه و استقلال طبلانه اش یکپارچه و یا همسو گرداند. هول ثقل ندای نیروی گسترده از مردمی ترین بخش جنبش گرداند، فر از این ندایان کسانی که در باره دیکتاتوری شاه سهم ایناگی کردند، برخور دار شوند، اکنون جنبش فدائیان خلق در آستانه بیست سالگی است، در این سالهای دراز رژیم سلطنت را سرنگون کرد و به تاریخ سپر و شبیه آن استقرار یکی از سیاه کار ترین دیکتاتوری های حصر بر کشور یافت. برای هریک از احادیث جنبش مردم علیه دیکتاتوری و ستم، گذار از این دوران بلند پر تحول آسان طی شده است، فراز و فرود امواج تونده تحولات هم هر صه آزمون دانسته ها و سنجش استحکام داشته های همه سازمانهای سیاسی و هم هر صه ای برای آموزش های تازه بوده است. فدائیان خلق در پس بیست سال بیارزه در نهاده گذشته ضمن باز شناسی خطاها بشان خطاهاشان از همگاه سهمگان نیز بوده اند گذاره زبر حقی را که آغاز کرده و تابه امروز ادامه داده اند ارج می‌گذارند و گرامی می‌دارند.

اکنون که هم جنبش چپ و هم کل جنبش های رژیم استبدادی فتحها در موقعیت دشواری پسر می‌برد، بیاد آوری و گرامیداشت بیارزه سرختنه و استواری دلاورانه فدائیان خلق در شرایط دشوار، برای ممه میارزین راه آزادی نیروی خود امده بود، برگزاری هرچه پر شکوفت بیست سالگی جنبش فدائی، بزرگداشت دلبری و پایداری در بیارزه و گرامیداشت یاد و خاطره همه آن کسانی است که در راه سعادت مردم سرختنه رزیدند. در ۱۹ بهمن امسال، فدائیان خلق در هر جایی که مستند، از همه امکانات خود برای گرامیداشت بیستین سالگشت این روز خجسته بعض بهره میگیرند، گرامیداشت این روز، گرامیداشت بیارزه و ستیش استواری است.

استواری در بیارزه را گرامی بداریم!

۱۹ بهمن؛ بیستین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه باشکوه تر بگزار کنیم!

نهادهای حساس و موثر حکومتی است، محتشمی در همین رابطه شدرا داده است که: «فالله به مجلس خبرگان ختم می شود و این جریان برای حذف یاران و فدائار انقلاب و مام در سایر مراکز منجمله مجلس شورای اسلامی، تعاملیت می کند»،^{۲۱}

هر دو جریان، علیرغم پذیرش مصالحه و آتش بس،
سواره متصد آنند که بیچ فرقه‌ست را برای ضربه زدن به
دیگری و تضعیف او از دست نمهد. برگزاری مراسم ۱۸
بان یعنوان «روز مبارزه با استکبار جهانی»^۲، یعنی راهنمایی
بود برای نیروهای تندر روز خطا‌مامی، تا شدیدترین
بلیغات و اشکاری های سیاسی را در عرصه سیاست
خارجی، زیر علم تبعیض از خامنه‌ای و بارخورداری از
منواختی او در مبارزه با آمریکا، به پیش بردن، شایان ذکر
ست که احمد خمینی نیز که در جریان انتخابات مجلس
نفرگان با تیول مشروطیت ولی فقیه و عدم افتراق به
مذکور سران خطا‌مامی، از فعالیت‌گر فته بود، در فر صه
نتقاد اساتذه خارج دلتانالیا، به ادام است.

در تظاهرات ۱۳ آبان، دفتر تحکیم وحدت، طی مطلعه‌نامه‌ای، با افتتاح نرصن، ضمن حمله به مواضع سالانه‌ها، مشی اقتصادی دولت رفسنجانی و نیز سیاست خارجی آنرا در قمه هر صه ما مردود دانست، در تابه‌ای که امضا، بیش از ۵۰۵ نماینده مجلس به نسبت ۱۳ آبان منتشر شد، نیز ضمن تاکید بر "وحدت در رسایه ولایت ترقیه"^۲، موضع رفسنجانی در رابطه با امکان ترمیم اندیزیچی متناسبات با افریقا، مرود مهد قرار گرفت.^۳ درین نامه تصریح شد که: "تعمیر اینکه رو ابطاله‌مریکا ایران تنها دلیل سخیر لانه جاسوسی منقطع نریدیم، و باشدشت رسان و رفع سو تفاهمات، قابل تجدید و ترمیم است، مخصوصی را باطل است، همین مضمون، در پیام خامنه‌ای مناست ۱۳ آبان نیز تصریح شد".

خانمهای، ضمن پیشبرد مواضع کرو-مبتدی مسلط در حاکمیت، مبین شد تا انجا که میسر است، موتفیت خود را مثابه رهبر نظام نیز باز یابد و اعتماد مخدوش نیز و های تند و خلط امامی را نسبت بخود تریم کند. بیام تند و سکسکس آن را بنیانتست ۱۳ آغاز نیز چله هائے اول این تشییع

بقيه گزارش گالیندو پل ...

زاره امور خارجه رئیم پس از انتشار گزارش
الیندپل، با صدور اعلامیه‌ای به مضمون این گزارش
متضاد کرد و اعلام نمود که در آن ارزش‌های اسلامی که
کل دهنده توافقنامه جمهوری اسلامی هستند نادیده گرفته
شد و بجزی "حقوق بشر اسلامی" حقوق بشر از دیدگاه
رسان ملک سنجیده از این فتح است.

Table 11. The estimated effects of the new

کراز اش امی کالایندو پل می دهد، به مثابه مشتی نهونه خروار
زیم را بازتاب می دهد، به مثابه مشتی نهونه خروار
مشاغل چهره رسوای این رژیم ضدبشاری است. انتشار این
کراز اش بار دیگر فرست مناسنی فراموشی آور دنیا باران
باچار از کشور با استناد به مفاد گزارش، چهره رژیم
ایش از پیش بر ملا کنند و اتفاق همو می بشریت ترقی خواه
ابه مثابه عامل موثری در مختار خود سپاهان مقابله حاکم
رکشور پیش نمایند. مالحظه، و مهاداران سازمان و جمه
باران راه نزدیک شنایده و پیره کمیسیون حقوق پسر سازمان
نگاذ گزارش نمایند و پیره کمیسیون حقوق پسر سازمان
مل متحد کارزار حلیه استبداد خونریز حاکم را گسترش
مند

منند، فرزندان انقلاب اسلامی و تربیت یافتگان مکتب امام طلیفه و مسئولیت سنتیگی بر عهده دارند.^{۲۱}

در این مقطع از ایش قوایکونهای بود که تظاهرات در ملکی مجلس علیه با صدای خالق رهبری «مدودی و آن نهادنگان امکان نداشت بهمین جا محدود شود، شدت تنشی و گستردگی دامنه آن بعدی بود که تائیدی بریان خانمهای رفنجانی برای منفر کردن تنی چند از سبب پذیرترین نهادنگان جریان مقابل، دیگر میتوانست عملی شود و خطریک مواجهه کلی و تصریع آمیز با سوارضی و خیم و یا دست کم نامعلوم را در پی داشت، ظرفان اینکه خانمهای خمینی نبود، او خود را در موضع هر چنان مسلط ترا راهده بود نه رهبر نظام، در این پیروزدار-قطع نظر از عضف شخصیتی و ظرفیت ایشان را خوش-حرمت رسماً او نیز بمنایه رهبر و ولی تیه اشکار خشده دار شده بود، در این شرایط بود که خانمهای، تعریض قطعی هیله جریان مقابل را همار کرد و بر مقابل، تبعیت سران چنان مقابل از خود-بسیاره ولی قیقه و رهبر نظام - را بدست آورد - برای جریان تندروی خطمام نیز که چه سخاودار آستانه یک انتشار سیاسی حمیل شده می دید، این مصالحه بمعنای حق نشینی اگزیر از موضع خود، "تحدید بیست" با ولی فقیه و ذیرش اتوریته و حکمیت او بود.

بنای مصالحه بر این شد که مشروعیت و حرمت ولایت تیه در ممتازات چنانچه، مورد تقدیر قرار نگیرد، در سویه سیاسی، از این و از هیچ یعنی ولایت فقیه بیچوچه استناده نشود اصل ولایت تقدیر ملاک اصلی شر و هیئت حاکمیت شمرده شود، همچنین، اصول و مبانی سلامی، مشخصاً ترسم شود تا میان اسلام ناب محمدی و

سلام آمریکائی مریزندی دقیق صورت گیرد.
 اما نکته مهم اینکه، تفسیر نهایی از راه و اندیشه
 امام[ؑ] بر عده مقام رهبری است، چنانچه برداشت‌ها از
 ندیشته و راه امام متفاوت بود و به توافق رساندن نظرات
 بنایان همیسر نگردید، پاید کلام نهایی و حرف آخر را از
 باع مقام رهبری شنید و پس.
 ناهار حفظ حرمت و اعتبار مجلس شورای اسلامی نیز
 ورد تاکید قرار گرفته و حق سوال، استیضاح، تحقیق و
 شخص و نیز پیروز سخنرانی های پیش از دستور، مبنایه
 تقوی خشنه تا پذیر نهادن مجلس، محاجتان تأثید شده

این مصالحه، با تغییر سمت آشیارها از روی آماده‌گردید. فتیه بسوی آماده‌گاه دیگر، موجب قروکش نسبی خاصهای درون حکومتی شده و جدال اما در ابتدای حدوودتر ادامه یافته است. اینک معمورین حملات روحانی تند روی خط‌مامی، هدجه سیاست اقتصادی و پیزه سیاست خارجی دولت رفسنجانی است هر صد تعریض تلاف مسلط نیز، تداوم پرونده سازی ها علیه مخالفین و صنفیه نیروهای خط‌مامی از سازمانهای دولتی و ارگانها و

و شید یمثایله سرکردۀ جامعه بین المللی عمل کند و بجا
ن تصمیم پذیرد، برای ادامه نوشت با تئاتری روبرو
ردیده است حتی در خود مردمیا چه در افکار عمومی و
سنا مخالف شسته به
در میان نهادنگان کنفرانس و سنا مخالف شسته به
حتمال توسل به اقدامات نظامی خودسرانه و بدون تائید
تصویب شورای امنیت افزایش راز افزونی می‌یابد. این
بحول مثبتی که بپدید آده است شایان اهمیت و توجه
ست. این تحول، امید آنرا بیشتر کرده است که برقم
و ضایع بر انتخاب کنونی باکاریست عقل سلیم، خودسری و
شیره سری محارب شود.

اکنون در استانه اجلاس شورای امنیت سازمان ملل
تحدد که روز هشتم آذرماه برگزار خواهد شد، دولت
مردمیکی می‌خواهد موضعه شورا چنان باشد که راه انجام
ازدحامات نظامی را بازگشاید. در حالیکه باید انتظار داشت
بن مجمع بین المللی با صدور قرارنامه‌ای در جمع تشدید
شار علیه رژیم هرات ضمن اینکه اراده جامعه جهانی علیه
جاوزگری را بازتاب می‌دهد به تمایلات جنگ افزارانه و
بسیطه طبلانه بیز تمکین نکند. هر گاه چنین شود می‌توان
اظلمانیان یافت که سرانجام سرسختی رژیم صدام حسین
در ادامه اشغال کویت در هم شکسته شود، و این رژیم به
اراده جامعه جهانی تمکین کندو در عین حال طرحای
سلطنه خانه کاخ‌سینه‌نشسته خشی دد

۰۰۰ سنجش نسبی فروکش بقیه

پس از محله اصغریه ناییندگاه خامنه‌ای در روز ۲۴ مهر و آنکه شدید خامنه‌ای - هنرمندان فیلم‌ها بطور پیاسا بهمراهی تشدید شد، در گیری‌های متعددی بین طرفداران التلاف خامنه‌ای - رفسنجانی و رسالت با نیروهای تندروی خط‌مامی در تهران و شهرستان‌ها پدید آمد، که در گیری میان مامورین کمیته و افراد سیجی در تهران، ز دخور دیان طرفداران حائری امام جمیع شیراز از طرفداران دستیغ، برتاب نار نجک توسط عناصر طرف‌های ملی به مرکز کمیته پاسداران در تهران، منوه به این از آن بوده است. در روز ۴ آبان در شهر فومن، گروه شیخی از عصادر تندروی طبق‌الحق بهمراه ۸۰ تن از پاسداران سلحشور، مانع برگزاری نماز جمیع توسط امام جمیع طرفدار خامنه‌ای و رفسنجانی شدند. با جمله خامنه‌ای به ناییندگان مخالف در مجلس، یکرشته ظاهرات خیابانی سازمانیانش علیه نیروهای تندروی خط مامی در نقاط مختلف کشوب برآمد افتاد. به تیز این تصریفات متوجه "محدود ناییندگان مجلس که مخالف هبری‌اند" بود، در نماز جمیع هاشی که در تهران و تم توسط شیخ محمد بیزدی و مشکنی کارگردانی شده بود، شدیدترین حملات ملیه ناییندگان جریان "خط‌مام" شد. نزدیکی ترن و ناییندگان مخالف "موافق" سر اشیل^۱ تقریباً شدت در امواز و ارایین، در حمایت ز سخنان خامنه‌ای ظاهرات خیابانی برپا کردند. در روز چهارم آبان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، طی پیامی خطاب به خامنه‌ای، به مخالفان مهدوار داد که "پیشتبیان ولایت ذقیقه باشند تا به مملکت آسیب نرسد. در غیر یتصورت راه ملت از راه ناییندگان بظرف جدا خواهد شد"؛ روحانیون طرفدار گروه‌بندی خامنه‌ای - رفسنجانی را، قم، ظاهرات اتری برپا کردند و طی تقطعنامه‌ای خواهادی از گونه مخالفان و موضع تیری در برای سخنان خامنه‌ای را حکوم نمودند و با ازراخه مقدمه و حائیت بیارز تهران را حمایت از سخنان خامنه‌ای و برای واردآوردن خوبیه اصلی، با صدور اطلاعیه‌ای از مردم مستلزم خواست تا تضییغ وز یکشنبه عایان، در مقابل مجلس دست به ظاهرات نزند و با پیشتبیانی از سخنان خامنه‌ای و ابراز ارزش‌گار از ظاهرات ناییندگان مخالف، "رسالت اسلامی و انقلابی شویش را یافته‌اند"؛

صمیمان، نیروهای تندروی خط‌مامی نیز بنویه خود، تصرف^۲ ایتیا رسانی رسالت اسلامی و انقلابی^۳ خویش، آنچنانکه تربوی خاطر ششان کرده بود. بودن کروپی در مقابله‌ای حق هنوان "دیدگاهها" که در روزنامه "بیان" در چند شهار داده بود که^۴ "امروز که باندهای مر موزی مانند چشمیتیه ای ها، ولایتیه ای ها، سرمایه دارهای، هایفت طبلان تن روز، روشنکر مأیعی بیکانه ای از اسلام و روحا نیست و دیگر بیرون از خواهان در پشت چهره ساده لوحانه فریب خورد و خود باخته، براندکه انقلاب اسلامی را زیر یاری آمریکا ذبح

سقیه خلیج فارس ...

شنان داده است، تلقیت مذکوره سیاست با اعمال تحریریم
اقتصادی هر از توسط جامعه بین المللی که شرط دستیابی
بر راه حلی مسالمت آمیز است، اندیشه است مسنو لانه که
به رفم ناخ سندی کاخ سفید پی گرفته شده است مقامات
مریکائی که نسبت به سفر پریماؤف نهاینده و پرده دولت
شوری و نیز خیرار چه چن به بغض و دیگر پایتخت
های کشورهای منطقه اشکار ابراز مخالفت نداشتند، همانا و با
صر احات گفتگو های ویلی بران، ناکازونه و هیت نهضت
وزیران پیشین ایالات، زبان و انسستان را در بنداد مرد
کوکوچک تراو با دولت هرات، روشیانی را پیشنهاد می کند که در
صورت کاربرست، جز به تشدد پیشتر تنش و سرنجام
روزیاروئی نظامی نخواهد آنجامید، اما بر اثر کوشش‌های
بین‌و رهایی که با جنگ و نیز با برتری طلی امریکا مخالفند
تحولات چنان پیشرفت است که امکان حرکات خودسرانه
اشکنن دشوارتر از پیش شده است، اتخاذ و اعمال مر
تصمیم تازه‌ای دلیل رژیم هرات با دور زدن شورای امنیت،
برای دولتش اقدامات حکومی جهان فیر قابل پذیرش است.
در سورای امنیت شوروی و فرانسه برخلاف امریکا و
درگلستان، تلاش می کنند امکان حل مسالمت آمیز بحران
مسدده دنبشید ابیکا که در هفتاد هفتم خاسته بدان

پیرامون تحولات منطقه و اوضاع کشور

طی ماهیانی اخیر منتظر خاورمیانه و خلیج فارس
دستخوش تحولات مهمی بود. در کشور مانیز رو نهادی
پر اهمیتی جریان داشته است. اهمیت تحولات تا بدان،
پایه است که می توان از "نگاتف عطف" در حیات سیاسی
خلیج فارس، خاورمیانه و کشور سخن به میان آورد،
شورای مرکزی سازمان قدرتیان خلق ایران - اکثریت
پس از بررسی مجموعه تحولات مذکور، مواضع و
ارزیابی های خود را به شرح زیر اعلام می دارد.

رَهْبَانِيَّاتٍ مُنْتَقِدَةٍ

بهران متنعلقه ده با اشغال کویت پوسیله ارش شرق
آغاز شد، بالشکر کشی بی سایته آمریکا و متحده انش رسیده
بحرانی جهانی، خطرناک و انخجار آمیز فرا و پید.
اکنون در راستایی که ارتش شرق با داداگیر ظرفیت
نظمی خود، در آجاده باش کامل به سر می برد، آمریکا و
متحده انش کار گسیل نبروهای نظامی جدید و ساردن شمار
نفرات سبلم به شرکت همراه ارتباط اتفاق دادند

اکنون صفت بندی قضیعی از نیروهای جهانی در مورد چگونگی حل بحران خلیج فارس پذیراً ممکن است. اگر جهان در مقابل سیاست کاخ سفید که بر حل نظامی بحران مبتنی است، تسلیم شود و منطقه در گیر جنگ شود، آنگاه علاوه بر تلفات و قربانی هاوی ویرانی های قضیم سیمای آینده منطقه ما و جهان بیش از پیش تحت تاثیر تحکیمات دولت آمریکا قرار خواهد گرفت. اما اکثر مشی "به زانو" تحکیم بی و فنه موافق سوق الجیش خویش مشغولند. از سوی دیگر، جامعه جهانی از طریق شورای امنیت سازمان ملل متوجه، تحریم اقتصادی و نظامی عراق را به اجراء در آورده و تلاش های سیاسی مسترد و دیپلماتیک برای یافتن راه حل صلح آمیز بحران خلیج فارس، در سطح جهانی جریان دارد.

در آوردن هرگز از طریق تحریم جهانی^۱ ایران حمله بر مراحت
منطقه به پیروزی بر سد و دولت بوش تحت نشار نیروهای
صلح طلب به قطب شیخیتی نیروهای نظامی خود از
منطقه تن دهد، با اطمینان می‌توان گفت که استراتژی
تامین آتایی امریکا تتحمّل شکست ناشی خواهد شد.
شورای امنیتی سازمان ملل میان خلق ایران^۲ اکثریت
تداویم اشغالگویی بوسیله رژیم عراق و ادامه حضور
نظامی خود در آنها امریکا را منطقه را قبلاً محاکوم می‌کند
و خواستار تخلیه نیروی خاک گوییت بوسیله ارتش عراق و
خرسچه لاردنگ نیروهای خارجی از خلیج فارس است.
ما براین باوریم که تحریم اقتصادی و نظامی عراق که
می‌تواند و باید در سایه اراده مشترک جامعه جهانی با
تاطعنهای ادامه یابد، این رژیم متاجوز و جنگ طلب را به
زان در خواهد آورد و تلاشهاشی که برای کشاندن شورای
امنیت سازمان ملل متحده به پذیرش راه حل نظامی صورت
می‌گیرد، مثبات رسانیدن محدوده نیروهای اسلامی است
که در راه استقرار نظامی عادلانه و مبتنی بر حل مسالمت
آیین مسالمات چنان بیکار می‌کنند.

ما مچینی از طریق های مبتنی بر «حل میانگانی و صلح
آیین»^۳ مسالمات خاور میانه استقبال می‌کنیم و براین باوریم
که استقرار آرامش و ثبات در خاور میانه بتویزه در گرو
پایان دادن به توسعه طلبی صیغه نیست و تامین حق ملت
فلسطین در داشتن کشور مستقل خویش است.

می‌کنند و مردم کشورهای منطقه نگران آند که
ماجرای جویی های چنون آمیز هرگز و آمریکا هستی شان را
نایابی داده اند.

وابستگی جهان به نفت خاور میانه و خلیج فارس و
موقیت حساس منطقه در چهار گیاره سیاسی جهان،
موجب شده است که مهد کشورها خود را در مراحت
خلیج فارس مستقیماً ذینفع احساس کنند.

حکومت صدام حسین بر پایه ارزیابی از اوضاع جهانی و
تمایلات امریکا، با هدف غلبه بر دشواریهای عظیم
اقتصادی از طریق تکیه بر ماشین جنگی و تصرف و فارت
کویت و با اهداف توسعه طلبانه، از جمله تامین رهبری
بر خلیج فارس، کرب و کسب موقعیت نظامی برتر در
منطقه خلیج فارس این شیخ شنیون کوچک و شرطمند را به
اشغال خود دارد.
رژیم عراق با دست زدن به این هاجراجویی تبعکارانه
و فراهم کردن زمینه حضور نظامی گسترده امریکا، نه
 فقط منطقه را در خطر چنگیزی ویرانتر از داده،
بلکه ضربات سنگینی به تلاش های نیروهای متقى جهان
که در راه استقرار نظامی عادلانه و مبتنی بر حل مسالمت
نظم میگری مبارزه می‌کنند و در ساخت.

بحران خلیج فارس در شرایطی پدید آمد که نظم
گذشته جهان که بر تقابل دلوک شرق و غرب مبتنی بود،
فرورخته و مبارزه ای گسترده بر سر نظم نوین در جریان

جمهوری اسلامی و تحولات خلیج

رژیم صدام حسین مهزمان با تصمیم به تصرف کویت در عده دستیاری به توافق با رژیم جمهوری اسلامی برآمد. تداوم حالت «له جنگ - نه صلح»^۱ با ایران، می‌توانست نقشه اشغال کویت را با مشکلات خدی تری مواجه سازد و صدام حسین برای بیلیدن کویت نیاز داشت که با دادن امتیازات قابل ملاحظه، نسبت به عدم مداخله جمهوری اسلامی مطمئن شود.

رژیم عراق که در شرایط پرتزی به آتش بس با ایران دست یافته بود، حاضر نبود شرایط صلح عادلانه را پذیرد و جمهوری اسلامی کمدر موضع ضعیفی قرار داشت. نمی‌توانست برای تحمیل صلح برپایه تعظیم نامه سازمان ملل متحده و برمبنای قرارداد ۱۹۷۵ آقدام موثری به عمل آورد.

نیاز صدام به توافق سریع با ایران، رژیم جمهوری اسلامی را در موتفیت مساعدی قرار داد، و این امکان را پیدا آورده که دو کشور سریعاً باید سمت حل مسائل فن مابین و دستیابی به حل کام بردارند.

برخی از سران رژیم در موضع گیری‌پیائی تبلیغی، عقب نشینی صدام را به^۲ «دادهای فیبی» نسبت دادند. رفسنجانی آنرا ترجیح «دیپلماسی مخفی» خود چهارده و با این بیان تلویحاً تایید نمود که در مورد عدم مداخله جمهوری اسلامی در ماجرای اشغال کویت بویسله عراق، بین دو رژیم هذکر شده است.

مواضع مقامات جمهوری اسلامی در ابتدای بحران اوضاع و خیم داخلی، می‌رود با خود راه به مهابه یت مصوّب چشم‌گیر اروپائی مطرح و ثبت نمی‌کند، آمریکا در سودای استقرار نظامی است که در آن از موقعیت سرکردگی بر خوردار باشد.

تلخ دولت آمریکا برای تحمیل نظم دلخواهش، در شرایط تضییغ نشایامل نظایری به سود عامل اقتصادی و پیشگیری از فتن اروپا و ژاپن در روابط اقتصادی صورت می‌گیرد و در تقابل با خواست بشیریت مبنی بر استقرار نظم عادلانه در مناسبات جهانی تقدیر دارد و مبارزه بر سر نظم نوین، در بحران خلیج فارس اجلی آشکارا یافته است.

حکومت پوش از ماجراجویی تبعکارانه صدام حسین بجهت جسته تابه اتکای تقدیر نظم اقتصادی، اثاثی آمریکا بر جهان تحمیل کند. و در مقابل، اروپا، اتحاد شوروی و «جهان سوم»^۳، اتفاق از هم صلح می‌بهران و اتکای تحریم اقتصادی هفراحت، می‌کوشند تا نشانه حکومت آمریکا را به شکست پیشکشند. پاپشاری جنون آمیز کاخ سفید در توسل به زور با هدف اخراج متاجوز از خاک کویت صورت نمی‌گیرد و جرج بوش بخوبی آگاه است که صدام حسین قادر به مقاومت در مقابل تحریم اقتصادی نیست و در جهان درهم تنیده امروز، محاصره اقتصادی برای به زانور آوردن متباور، حربی کاملاً موثری است، هدف اصلی آمریکا در توسل به تزار نه مقابله با تجاوز بلکه تحمیل نظمی مبتنی بر ایندادهای آمریکا بر جهان است و بشیریت صلح طلب با وقوف به این امر با حل نظمی بحران مخالف است.

نتائج کنگره اول سازمان

با فرونشستن احساسات بیدار شده در شب فراموش نشدنی ۲۱ مرداد ماه ۱۳۵۶،
قضایا خطا و ارزیابی های مختلف از کنگره و نتایج آن بتاریخ روشنتر می شود، مقاله حاضر
بررسی مختصری است در دفاع از نتایج این کنگره و چرخش مهمی که ذر حیات سازمان ما
به وجود آورد.

۱- تقویب قطعنامه^{۱۰} بررسی اجمالي خطاهای سازمان در دمه اخیر^{۱۱} و تغییرات پسیوار بزرگ در رهبری سازمان را باید دو نتیجه اصلی، مهم و بعمق پیوسته کنترل نهادست به شمار آورده، هم اهمیت تثبیر و بیری و هم تغایرات آکادمیکه در جهت کم اهمیت جلوه دادن تقویب قطعنامه بررسی خطاهای سازمان را اینجا می‌دانیم. این تغییرات از اطمینان نظر ما و تحلیل‌ها، تقویب قطعنامه فوک تحقیق اسلامی تغایر رهبری قرار گیرد و توجه لازم شود به اهمیت آن صورت نگیرد، در حالیکه تقویب این قطعنامه برای کنترل و سازمان مأهومیتی کمتر از تغییرات رهبری سازمان نداشت.

شاید آنکه نه که در پرخی اطمینان نظر ما مبنوان شده، این قطعنامه شتابزده تعبیر شده

سید موسوی سر بر پرینزیپ رفرانس سره بود، این ناچاری باشد که نیزه کدام آنقدر مقصر باشد و شاید در فرمولینگی آن ناوقتی و وجود داشته باشد، اما اینها همچنانکه نیست که اهل مسئله را تحت الشاعم قرار دهد و بی اهمیت بازد، تصویب این تحلیل‌نمایه به معنایی بود که سرانجام رساندن موقفيت آذیز مبارزه‌ای بود که نزدیک به عرسال سازمان مارابه خود مشغول داشت و ضایعات فراوانی بیار آورد، خطمنشی شکوفاسازی جمهوری اسلامی، مشی وحدت با حزب توده ایران، سیاست فسقیم به هژمونیسم که در زیرنوای انتر ناسیونالیسم پرولتاری براى دوره‌ای سیمای مستقل سازمان مارا تیره ساخت و ساختار تشکیلاتی ای که برایه تمکن قوی‌الناده قدرت در دستگاههای میری و می حقوقی کامل اعضا و پرورش روحیه فرامنبری در آن منستقر بود، در جمومه رعی خود ضدارش ها عنصر اساسی آن سیاست و بینشی بودند که سازمان مارا استانه نایابی کشاندند و موجب پیدایش جنگ انتقادی حقیم و بی ساقیه در سازمان گردیدند، سخت ترین مبارزه نظری در سالیان گذشته پر امرون مهین موظفات در کرفت، به همین شکوفاسازی محمدی، اسلامی، اندوه، ناظر بر آن در مطلع میست^۵ و سالیان بعد از آن راه رخختی

امهیت قطعنامه برسی خطا مادرین موضع نهفته است،
۲- نتی آن ضدارز شها و آن بینش هرگاه با انتقاد از مسئولین و مسیبین در جهه اول آغاز
گزینش مسئولین جدید همراه نمی شد، اهمیت و انتقای خود را از ذات می داد،
در چهار چوبه انتقادهای رایج و سنتی باقی می ماند و باور کی را بر تمنی انتکیخت، اهمیت
تفصیر رهبری سازمان را باید به بحث موضویت موصوف و صراحتاً^{۱۰} انتکونه که در بعضی چهار چوبه در نظر
گرفت، تفسیر رهبری یک موضوع بی پیشنهاد و صراحتاً^{۱۰} انتکونه که در بعضی تحلیل های
نسبت به کنفرانس بیان شده، نبود، گفته می شود رهبری فقط بخطاب پر هیز از حزب
نمایندگان^{۱۱} به شیوه سابق و بحث در اول طلبانه کنار رفت و گویا کنار فتنگران بطيه به عملکرد
مداری^{۱۲} که این موضع این نسبت، تفسیر رهبری گذشته فقط بدان خاطر نبود که
گذشت آن نداشت، اما واقعیت این نبست، تفسیر رهبری گذشته فقط بدان خاطر نبود که
دموکراسی در سازمان ماباپوتی شدن امن رهبری رعایت شود، این یک موضوع بسیار کلی
است و واقعیت مشخص مرا ارتوازی نمی دهد، تفسیر رهبری در سازمان ماباپوتی انتقاد از
سیاست های گذشت بوده است و نه صرف اپیزود از حزب مداری^{۱۳} به سیاق سابق، در کنگره
پیرامون این موضوع بیش از هر موضوع دیگری بحث در گرفت و مطه های مختلف به میان
آمد، در افزار تنها اقلیتی کوچک از فکر تفسیر کامل، پیغام اند دنای می کرد، اما اضای کنگره
پس از تصویب قطعنامه برسی خطا ها و بیویه در ساعت پایانی چنان بود که جز آنچه
انتفاق افتاده اد دیگری را برای جات سازمان و حفظ و حدت باقی نگاشته بود، عدمی این
موضوع را به نبود دمکراسی در کنگره تعبیر می کنند، اما فقط چشم بستن بر واقعیت
گذشتی می است که نسبت به رهبری ساین این باشند شده بود.
کنگره ای که آن قطعنامه را تصویب کرد بود، تاگهنه از مسئولین سابق می خواست که خود
را اکنار بکشد و این نه تنها مقایسه با دمکراسی نبود بلکه خواست اکثریت نیروی سازمان را
با زتاب می داد، خوشبختانه اکثریت کنگره و تعریباً بهم اینها رهبری مبنی این موضوع را
در ک کردند، انتخاب سیاسی از مسئولین گذشته بارای های بالادر گروه های کار بعیچ و جه
نافی این موضوع نبود، به این دلیل روشن که کنگره خواهان کنار رفتن آن مسئولین از
رهبری سازمان بود و نه کناره گرفتن آنان از مسئولیت؛

پر چهارمی خامنه‌ای، گرجه ائتلاف حاکم را از حری
منوز موثر ^۱ قتفه ^۲ و «شروع» ^۳ برخوردار و کار حذف رفیق
راتسریع نمود، اما در روابط میان خامنه‌ای و رفسنجانی به
شدت به زیان اولی و به سود دومی محل کرد.
عقب ازدن مهاجر «تندرو» ^۴ بر بستر تاریخی شدید
توده مردم، بیزاری معمومی نسبت به مادر ارجوی های
کوچکت که «تندرو» ^۵ امام شرکت ترین مدافعان آن بوده و
مستند، روان اقتضادی شدید، تحولات اخیر منطقه و
ادامه للاشیانی رفسنجانی برای یافتن دوستانی در خارج از
مرزهای صورت یافیرفت.

این شکست تندروها در پیوند با منظمه تهمویه تحولات کشور، بیانگر تغییر مهمنی در حیات رژیم جمهوری اسلامی است که می‌توان آنرا با خارج شدن مشی رنسنجانی از چنبره تضادهای حکومتی توضیح داد. دست یافتن به نتایج قابل توجه در تلاش دیپلماتیک بعثت بازسازی مناسبات با غرب و افغانستانی برای تضمین بیش از پیش امنیت سرمایه و تامین سوداواری مطلوب برای سرمایه اقتصنی از جمله نمودهایی است که نیایشانی تازه در مشی رنسنجانی را تایید می‌کند. در همین حال حضور هنوز موثر تندروها در حکومت و بویژه داشتن اشتیوت در مجلس، این اجازه را به رنسنجانی نمی‌دهد که با اقتضاطلوب خویش پیش بباشد و او ناگزیر خواهد بود همچنان بخش نه چنان کوچکی از نیروی خود را صرف خنثی کردن تندروها کند و از هم اکنون برای تعیین تکلیف مجلس و تصرف آخرین سنگرهای خوبی خیر بردارد.

تاكيد مجدد سرمان "تندرو" برهان های ضد دمکراتيک و ^{۱۷} جنبش ستيزانه ^{۱۸} بجمانده از دوران خميني نشان می دهد که اين چریان فاقد هرگونه ظرفيت مكراتيک است و حتى چنگناكاهه که تبعيغ هر يف را برگلوي خود خصس می کند، ظرفيت طرح شعار "ازادي" ^{۱۹} از اداره همانند جناح سلطسل شاپيسه همچوئه هميحيتی از جانب تيرو های ترقی خواه كشور نيسنت.

گرچه خروج مشی رفسنجانی از بن سمت فوک، بر بستر شماری از هوا مل مثبت داخلی و خارجی، این استعمال را پیش می کشد که در چشم انداز آتی برخی گشاپیش ها در عرصه اقتصاد پدید آید، اما هنوز شواهدی که آغاز چنین روشنی را بطور جدی تایید نکند، و خود دنارها، سیر منطقی رو نهاده در عرصه اقتصاد متوقف شده و حوادث بعد از انتخابات مجلس خبرگان نشان می دهد که هنوز تحولات کشور در اساس، تحت تاثیر چنگ تدرث دو جناح رژیم بسته می گیرد، هنوز چشم اندازی در جمیع قلمروهای بر بحران درونی دیده نمی شود و تضادهای موجود در ساختار رژیم، در آینده جناح بندی ها و آرایش قوای تازه ای را پیده خواهد آورد.

تحولات ناچگاهی که
صلح میان ایران و عراق از جمله اجزای آن بود، فرست
مناسب را در اختیار ائتلاف حاکم و بیویژه گروه رفسنجانی
قرار دارد تا خود را به مثابه
مبتكر "دیپاماسی مخفی" و تامین کننده منافع ملی
طرح سازد و در پرتو و حاصل از این "پیروزی" ضربه
تعیین کننده راههای حریف وارد ساخته در تداوم مشی
کنار زدن تدبیری "تدبر و هما" از مرآت قدرت،
کام قطعی را بردارد.
الائاف مسلط انتخابات مجلس خیگان، با به مثابه

اور دکاء اصلی این نبرد بر کریز، مدد امکانات امنیتی، نظامی، مالی، روانی و تبلیغی برای سد کردن راه ورود تندروها به مجلس خبرگان بسیج کرد و در میان بیم و تاباواری "عز الله"^۱ نزدیکترین دست پروردگاران خشمی و کسانی نظیر کروزی رئیس مجلس و رئیس بنیاد شعید خینی^۲، توسلی رئیس دفتر^۳ "امام"^۴ و اردبیلی رئیس^۵ دیوان عالی مشور^۶ ارش را به یعنای عدم صلاحیت فقیه ازور و دیگر مجلس خبرگان محروم کرد.

انچه در جریان انتخابات مجلس خبرگان اتفاق افتاد، از بسیاری جماعت از اهمیتی به مرائب پیشتر از مبارزه جریانات رقیب برای کسب پرشی در این مجلس، برخوردار است.

این انتخابات بر ایک سو نشان داد که ^{۱۰} تندرو ^{۱۱} یا توان متعاقب ساخت در مقابل ائتلاف مسلطرا ندانند و ادامه حضور شان در حکمه مت در سلطه خوبشان ناممکن بوده،

نگاریزند به سهمی که گروه‌بندی مسلط بر ایشان مظلوم می‌کند قناعت کنند و از سوی دیگر ثابت کرده‌اند نیز و را هنوز نمی‌توان دست کم گرفت. و حضور موثر آن بتویزه در سطوح مبانی و پایین بحث کوچت تامد و ادامه می‌باشد. توأم‌مندی سبیل حریف و بازی رهیافت قدرت میان رستگانی و خانه‌مندانی موجب شدندا ائتلاف حاکم برای واردگردان شریه خود، «فتح»، «شرم»، «راسله» قرار

دیده، تمیک به «شرع» در این مبارزه درونی، هم برای خامنه‌ای، هم برای مجموعه رژیم و هم برای نجاد و تئوری ولاست فقیر به بدهی سنتیگانی تمام شد. قلم کرد «صلاحیت شرمنی»، «خواهان خواه خامنه‌ای را به پرچم‌دار تعابیر سینه به سینه با تندره و هاتک‌دیگر کرد و در نتیجه، رد پایان این دور از مبارزه، نه تنها عدم صلاحیت خامنه‌ای به تئوری کسی که باید مانند خوبی «ماوراء جانها» حرکت کند محروم شد، بلکه آنچه که از سوی حزب الله «نقاست و ولاط و ولی نعمتی» خواهد می‌شد، فروپیخت و معلوم گردید که در جمهوری اسلامی بعداز خوبی، هیچ مقامی مصون از تغرض نیست و نمایندگی الله نیز، آنجا که پای منانع دستجارات رقیب به میان بایاد، به همه‌گونه خحائل «فیر الهی» مقام می‌شود.

پیشگاه شورای مرکزی ...

لها ظهور مدارج تقدیمی و بخصوص از جمعت موقعیت سیاسی،
نسبت به سر ان گروه بندیها مسلط در مرتبه پایین تری
قرار داشتند، گردانید.
اکثریتی که در زمان تصدی پست وزارت کشور
بوسیله محتشمی در مجلس پدید آمد، به جریانات تندرو
امکان داد که مجلس را به سنتگر اصلی خویش بدل سازند و
حول این اکثریت پارلمانی، سیمای کم و بیش مشخص
جناحی بگیرند.

بدين ترتيب در دور حديچه‌گز تدریت، در شرایطی که ائتلاف رنسجانی خامنه‌ای و "رسالت" پست‌های کلیدی نظیر "ولایت فقیه"، "ریاست جمهوری" و "شورای نگهبان" امتحان شفیع مصطفی "راس قوه قضائیه" و "بیانات دولت" افزونه‌ترین سیاست‌گذاری شرکت مسلسل هستند و برادر اختیار داشت، تهنا سنگ معتبری که هنوز تحت عنوان تدریج و هاتراست (وارد مجلس بود) معده هست که ائتلاف اگمک هنایات تند، میلاد،

با یادگیر را - که همچنان چنگ تدریت است بخوبی اینجا متمم کر کرده اند کماکان "سیاست خارجی" و "برنامه اقتصادی" است. مبارزه حول این دو محور نظقطه دوران بعداز خیلی مربوط نیست و از همان بد و تاسیس جمهوری اسلامی همواره میان دستجات حکومتی چریان داشته است.

"تندره" های این ضمن رو برناهه جای رفستانی، که اساسا

متکی بر ^{۱۰}عهادی سازی رابطه با فرب و بوبیره امریکا،
سیاست ^{۱۱}در راهی باز و ^{۱۲}نتیجه بر بخش خصو صی ^{۱۳}است،
جز تکرار شمارهای اجنبی سیستم آن خمینی نظری ^{۱۴}نه
شرقی، نه قریبی ^{۱۵}و حمله به سرمایه‌داری فرب و شرق،
تاکنون نتوانسته اند بر نامه اند دهد که ه مثابه
آلتر ناتیو بر نامه رفسنجانی قابل طرح باشد، این نظرله
ضعف اساسی جریانات تندر و نه فقط مخصوص پرانگدگی

سازمانی آنها، بلکه اساساً نتیجه منطقی میراث توریک خمینی است که تندر وها می‌کوشند بران متنگی باشند. بر پایه اندیشه‌های متناقض و قرون وسطی‌اش خمینی نهی توان برناهه‌ای از الله داد که در جهان امروز قابل طرح باشد.

رسنجانی که کار تحکیم اثاث‌الدال بالخانه‌ای و رسالت و تدارک قوا را پی‌بیگرفت، مترصد فرست متناسبی بود که طربه‌ای کاری بر جریانات "تندر" و "اردساز" اوپیشواز این، در شرایط تدبیر و تاب ناشی از مرگ خمینی و نظرانی هوداران رژیم پیرامون آیده آن، توائمه بود با حذف چهره‌های سرشناس "تندر" از هیئت دولت و تشکیل "کایانه‌کاری" شربه موثری بر جناح مقابل خویش وارد سازد.

من گرایش روی دیگر گرایش سنتی است، تغزیط آن افراد است، در آن جمه چیز بر یه ایدئولوژی می چرخید در این پر پایه سیاست، در گذره تکری که پیش از این نوادرانش خوانده می شد نیزه^۱ «جهت گیری» را در خود شکار کرد، و سمتی که در آرمانها و ارزشها خود یکسان و یا دست کم بسیار تزدیک سنتداهاست گهت گیری های متناقضی پیشه کردند:

کرایش سو سیالیستی: گرایشی که ضمن ناصله کنیری از مارکسیسم - لئینینیسم به تابه دنیولوژی راهنمای و نقد تغکر سنتی گذشت، می خواهد هم چنان چه باقی بهاند و جایگاه بود را در میان طیف چپ سو سیال دمکراسی و یا در سمت چپ آن مشخص کند. این رایش دموکراسی را مقدم بر ملی گرایی می شناسد و می خواهد دستاوردهای سو سیال موقکراسی و جنبه های حد التخواهانه مارکسیسم را تکیه گاه حرکت خود ترا دهد، مادعه و دوهه های رزمینکش جامعه در برابر مساجبان قدرت و شروط ویبانتر را دیدگاریسم ریز ابر محاافظه کاری و مدافعت تجددد و مقابل مقابله ماندگی و سنت گرانی باشد.

دینی است که این سه فسروزه ای است از سمت تبریزی های کلی که بر ایشان داده
وقتی خمامار بر ایرم نیستند و چه در هر صد اصول و ارزشها و چه در هر صد بر نامه سیاسی
نشتر ایشان را مکریزی دارند و ظیفه ای شورای مرکزی، مهد اعضا ای سازمان و به ویژه رهبران
کری گر ایشان نوکر، فرامم آوردن آن چنان شرایطی است که این گرایشات در جریان
ک بحث باز، دموکراتیک و فاعل تا حلیلات هایی نسبتاً قوام یافته ارتقا یابند. هدف مادر
بن دوره بیچر و چه نیاید آن باشد که پلاکفر مهای هر چه کوتیری به کنترل دورم ارایه گردد.
من موضوع در جریان شدویں نظرات و بحث های آتی روشن خواهد شد که آیا در
تمت گیری های انتقد رفاقت اشتراک وجود دارد که بتواند به تالیپلاتر مهای واحد
ر آیندی باخیر، از یک چیز با نایدی که در منظر ایشان کرد و آنهم اکامجه مجموعه اعضا ای سازمان، نسبت به
را ایشان موجو در، اختلافات و اشتراکات آتیا و انتقاد آنها راه آینده سازمان است. در
من شرایط است که کنترل دور خواهد توانت و ظیفه انجام نشده در کنترل اول را به
بر انجامی بر ساند و جمهت گیری آینده سازمان و نتایج ایشان بین گر ایشان موجود را تعیین
نمودند. جمهت گیری که باید به ارزشها و آرمانهای سوسیالیستی، دموکراتیک و ملی ما و خاندان
ساند و نشان دهد که این ارزشها همچنان تمام بخش پیکار نیرو های بسیاری در جامعه
عزم شورای مرکزی سازمان مقدمه ای داشتند.

شدید در قبال و ظایف مشترک مسئولیت پذیرفت زیرا امروز گرایشات گو تاگون امکان دارند در بحث پیش رو نظر انتشار از امکانات سازمان و از جمله نشریات آن بهر گیرند و شورای مرکزی مدافعان حقوقی است، با وجود چنین شرایطی تحریم و عدم پذیرش مسئولیت، به مثابه یک روش مبارزه رانهای میان در راستای هزاره دموکراتیک درون حزبی تلقی کرد.

کنگره در طیف دیگری نیز با مخالفت روپرورد شده است، طبقی که پیشاز کنگره باور به امکان تحول در سازمان را از دست داد، اما حادث در جمیت دیگری سیر کرد. تحولات کنگره در این ابعاد را کسی نه در میان این حلیف و نه در میان داعنوان کنگره بیشینی نمی کرد، تحلیل عمومی و باور مشترک در میان مخالفین کنگره این بود که کنگره یک میدان بازی برین و محل دوستی تازه است. چیزی خوب نخواهد شد و خطرور را در کنگره بمشروعت بخشیدن به آن و برین است کنگره نادستی این از زایبایها انتشار داد اماماً متاسفانه شاهد توجیه گریعه، خردگیری‌ها، بعاهه جویی‌ها و لجاجت‌های بکلی فیض قابل تقول در بر ابر و اتفاقیات مستیم. دستاوردهای کنگره کم است، تر دیدی نیست. میتوان بسیار بیشتر خواست، اما مجموعه‌توان کنگره هالین بود و یکی از دلایل آن محروم ماندن کنگره

از پیروی همه‌ی انس است که می‌توانست به معنی دمودرستی عمل نند.
 ۴) پیش‌بینی راسته‌ای تحوولات آتی دشوار است، اما در کنترل گرایش و یا تهاب برای
 این آینده قابل تشدیخ بود، گرایشات و سمت گیری هایی که هیچ کدام هنوز به نظر از و یا
 پلاتر فرجی قوام یافته بدل شده‌اند و وقتی از انتباخت می‌گوییم منظور سمت گیری های
 همو می، خطوط طلکی و در برخی موارد حتنی ایده های خام و گواهه های تاریخ است.
 گرایش سنتی تأسیس این گرایش را باور های گذشت، پاساری از آن چیزی که بودیم و
 دفاع از کلیت^{۱۰} راه طی شده^{۱۱} همراه با رفر محای معینی در آن تشکیل می‌dedم، این گرایش
 مهدت یک دمه تذكر حاکم و رسمی سازمان ما بود و تحوولات پنداشله آخر حکم به
 تاریخی آن داده است، روئندگی در جمیت دوری از این گرایش بوده و هست و در آینده نیز
 بینظر نمی‌رسد شناس چنانی برای پیروزی آن وجود داشته باشد. این گرایش در اساس

جهان دشنهای است که هنر مان را نمی کرد.
گرایش پیر اماتیستی: گرایش که با تقابل با اصول گرایی بر خاسته، سیاست رادر مرکز
تووجه خود قرار داده و بیوندان آواره مان و مدد را زاید تشخیص می دهد و بدینگونه راه را
برگزونه "سیاست بازی" شاید، این گرایش می خواهد سازمان را تا حد
ظرفیت اداری یک پلاکینگ یا برنامه سیاسی تنزل دهد و از مرگوت هدف، آرمان و ارزشی که
درست نیافتنی باشد، فاصله بگیرد، این گرایش آنچه را مشروط همی نشاند که قابل
ذوق باشد: این استعفای دستیار، دادگاه خود، الایمنیت همچو همسایه کند.

درباره مبانی برنامه‌ما

است، بلکه در پیوند با این ایده که «همیستگی مبنای همیاری و مشارکت همه مردم ایران برای بنای جامعه نوین و پیشرفت» است⁴⁴ درک ما از مبارزه طبقاتی را نیز سازمان می‌کند.

تازجا که به چنیه جهانی مبارزه زحمتکشان مربوط می شود، به بجز پذیرش اصل ضرورت همکاری و همیاری در سطح جهانی، تاکید بر عوامل محدود کننده ای که در گذشته مورد تاکید قرار می گرفتهند، دامنه شمول همبستگی را تنگ نموده، اهر مشخص این یا آن حزب را خودسرانه به سطح "اصل"^۱ رتقا داده و سرانجام با تابعیت حاصل از چند دهه تجربه جنبش کارگری جهانی در تقابل قرار می کنید، کمیسیون بارک درک این نکته به پذیرش اصل همبستگی اکتفا کرد و با این کار نسبت به "انتربنایونالیسم پرولتری"^۲ و نیز نسبت به دیدگاهی که "ملی کارائی"^۳ و "انتربنایونالیزم"^۴ را به متابه التر ناتایتو "انتربنایونالیزم پرولتری"^۵ پیش می کشد، مرز پذیر

در پیوند با مفهوم «مبارزه طبقاتی»، تاکید بر مفهوم «همبستگی» اینکار یکی از مهمترین جهات بازنگری در تفکر گذشته است، پیش از این، «جنبش جهانی کمونو نسیتی» در تبیین دیالکتیک «وحدت و خصایق» و «جه تضاد رانه تنها مهده بلکه گاه از زبان شخصیت ملائی نظری مباشیو سه تنگ «حلقه» می‌کرد و این برداشت فلسفی بر شام برنامه‌های سیاسی- اجتماعی و اقتصادی آن سایه نکنده بود، پکوندای که در اذهان بسیاری از مردم «کمونیسم»^{۱۰} را «نخجار اجتماعی»^{۱۱} هم سنگ تلقی می‌شد، در این دیدگاه «انقلاب قهر امیر» غصه‌ها مورد مستیاپی بشود و هنگام بحث پیرامون انقلاب، فقط مهمناس آن موردن توجه قرار گرفت و از هماره و هزینه آن کمتر سخن گفته می‌شد، پنهن تکر و برداشتی نه فقط به مستبدین، سرمایه‌داران و تدریتمدان اماکن می‌داد تا «چپ» را مسیب انجار و شورش تلماد کند و بر نقش مخرب خود در تحمیل قهر به مردم و جامعه پرده بگشند، لکه در واقع نیز، صرف نظر از نیات خیر خواهانه در عمل پیشتر در خدمت پرووسه تخریب قرار می‌گرفت تا

امروز و قتی چپ اعلام می کند خواستار استقرار آن
جنان گله های ایست که در آن همیستگی وجه غالب
مناسبات اجتماعی باشد، او لرا این ذکر نادرست قلم بطلان
نمی کشد که یگانه راه گذار به سوسيال یونیون فخر کردن
با جوامع موجود و کسب قدرت از طریق اعمال قدر است،
آنایا مسئولیت طبقات حاکم را که با سودجویی قدرت
طلیبی و پایه ایان گردان حقوق شفرون دن، جامعه را چهار
حران کرده قدر را به مردم زحمتکش تحمیل می کنند، به
روشنی بیان می نماید و ثالثاً اشکال متمدنانه مبارزه
طبقاتی را که بر پذیرش اصول ازادی ^۱، ^۲ مکاری ^۳،
^۴ رازبری ^۵ و همیستگی ^۶ استوار است، پیش می نماید.
گاه در انتقاد از نظریه مبتنی بر "همیستگی" ^۷، اثرا
ظرفیت تسلیم به مقابل طبقات حاکم و شوری ^۸ اشتباه
طبقاتی ^۹ و آنوده می سازند. این انتقاد از برداشت کی جانبه
سبت به دیدگاه مبتنی بر همیستگی ناشی شده است و تنها
ین جنبه را بر جسته می کند که هرو جان "همیستگی" به
اثتابه وجه غالب مناسبات اجتماعی ^{۱۰} توده کار و حمت را
رامی خواهد که در شرایط مذکور اتفک، مطالبات خود را
از طرق مسالمت آمیز پی بگیرد. اما تأکید بر همیستگی
نماینده از موضع مردم زحمتکش، معمترین وجه آن توجه
به مسئولیت طبقات حاکم در پدید آمدن بحرانی

ز حمّتکشاون هیچ نفعی در زیر پانهدان آزادی و مکاری ندارد و مبارزه برای کسب برآبری حق شروع و انسانی اتفاق است. این صاحبان تدرت و شروتنده اتاقاوز به حریم آزادی و هزار ان اقدام توطله گرانه دیگر ر. مبارزه رحمتکشاون برای برآبری و هدالت، اخلاص نموده صل همیستگی را نقض می کنند و در سماهوارد، با توصل به استبداد و فاشیسم هر راه را بر نیروی کار و رحمت چنان نشک می کنند که چاره ای جز "انقلاب" باقی نمی ماند.

ظریه بینتی بر همیستگی، اعمال قصر از سوی رحمتکشاون ر. چنین شرایطی را اتفاق نمی کند، بلکه می کوشد با توجه عوامل رزیان با این قدر، مسئولیت طبقات حاکم را به مامه بیان نماید و به مثابه یک شخصی پایه دار، نیروی بارزاتی رحمتکشاون یدی و فکری را در جهت نهادی درین ارزشها "از آزادی" ^۱ "دکتر اسی" ^۲، برآبری ^۳، و همیستگی ^۴ کالایزه کند و جامعه ای پدید ورد که در آن هیچ کس نتواند سودجویی خود را به باعی حق این ارزشها نهادی شده از راه کند.

در انتقاد از فرمول: پیشنهادی کمیسیون پیرامون "همیستگی" ^۵ گفته می شود که همیستگی نمی تواند در یک

اید که محتمل ترین شق برای استقرار جامعه سوسیالیستی، اباشت پذیده های مثبت از طریق بسط مستمر دکراسی و تامین پیش نت اقتصادی - اجتماعی است. متأسفانه عدم تدارک ذکری کافی که خود مجموعه ای از تضاده ای دوران گذار بود، منافع آن شدت این ظرفیت بالقوه به فعل درآید و در مصوبات انگکاس یابد، ۲- اسرشها و نظام ارزشی

در این هر صه مصوبه ^۱مبارای دستیابی به ارز شهابی سوپریلیستی مبارزه می کنیم ^۲نهایت کنکره نخست است. نارسائی این مصوبه در شرایطی که این ارزشها هنر فی نشده اند، اشکار است. کمیسیون با نام بردن از مجموعه ای از ارزشها ^۳آمیز جلو برداشت و در کام دوم که منطقاً اوله تعریف و برداشت ما از هر یک از مجموعه های ^۴اداری ^۵دموکراتی ^۶برابری ^۷همبستگی ^۸است متوقف ماند. در این هر صه کنکات زیر می تواند مرود توجه قرار گیرد.

الف - ارزشها که در سند در کنار هم ^۹چیده شده اند، نه گلچینی از ^{۱۰}رزوهای نیک ^{۱۱}بلکه پایه ای ترین رزشها که مستند که به ^{۱۲}زم کمیسیون می تواند برای تدوین یک نظام ارزشی مبنای قرار گیرند. در ارائه انجاز سنا در احزاب سوسیال دمکرات، می باختنی که تامروز در سازمان جریان داشته و نتایجی که احزاب کمونیست ساقی در اسناد جدید خود منعکس کرده اند، در حد امکانات موجود استقاده شده است و آیده ^{۱۳}انسان الاتراصر هر چیز ^{۱۴} و ^{۱۵}الکتیک ^{۱۶}حالات جمع و آزادی برند ^{۱۷}قطعه هریمت اندیشه بوده است این دیالکتیک در بیرون درونی مقامیم ^{۱۸}دموکراسی و آزادی ^{۱۹} و ^{۲۰}برابری و ^{۲۱}همبستگی ^{۲۲} مستقر است و ^{۲۳}علیماً زبانی نشکنیش روشی تری خواهد یافت که تعاریف این مقامیم

ب در بحث پیرامون اوزشها، این نکر به میان کشیده شد که "تجدد" به معنایه یک اوزش پایه‌ای در کنار سایر رزشها تبدیل گردد. منطق این نکر آن بود که در جامعه "عقب مانده" ^۱ما پیکار از راه تجدد یک رکن مبارزه است و لذا ضروری است تا از مقوله "تجدد" مستقلان در خش از شهانام برداش شود.

به نظر سر دادای منطق چندان درست نباشد. نخست هم این دلیل که هنگام ارائه یک نظام ارزشی باید جنبه هام و دن ایجاد نظر داشت و از حرکت از وضیعت یک کشور عینین پرهیز کردو و مقوله ای را در شمار ارزشها مان تراز داد که در جوامع پیش فته موضعیت محدودی دارد. دوم به این سبب که تعریف تجدد به مثابه یک "اروزش مستقل" ^۲بی دشواری ممکن است، تجدد در تحقیقت چتری است که مجموعه ارزشها را در بر می‌گیرد، همان گونه که "عقب مانده" ^۳چتر در بیرگیرند مجموعه‌ای از ضد ارزشهاست. به بیان ریاضی، این دو "نخوم حکم منحنی" ^۴"پوش" ^۵از دارند و با مشتهرهای

با توجه به این موارد، صحیحتر آن بود که از گنجاندن «تجدد» در مجموعه ارزش‌های پایه‌ای خودداری شود و نه که از پیکار مشخص در گفتور صحبت می‌شود. بر این اساس بارهای تجدید و علیه قبض مانندگی تاکیدیه عمل آمد. آنچه سازمان ما تا پیش از تحولات نظری سالهای اخیر، از جمله مذاقعن ایده ^{۱۰} انتراسیو-تالیسم پرولتری ^{۱۱} بوده است، باکنون در سایه تجارت حاصل از کاربرست این ندیشه، جهات مختلف و منتهی آن به روشی قابل شناسائی است. تقطع بیانات درون سازمانی که نتیجه تشدید حران و در همین حال مشدد آن بود، سبب کردید که نزدیکی سازمان یافته‌ها اصل ^{۱۲} انتراسیو-تالیسم پرولتری ^{۱۳} به تازه‌آغاز شده بود، متوقف شود و سازمان تنتواند در نتیجه نفخت خود پرا مون آن، صراحتاً اعصار نظر کند. رکسیسیون پیرامون این مستلهه می‌بناهایتی صورت گرفت و حاصل آن جایگزینی مفهوم ^{۱۴} «همبستگی» به جای انتراسیو-تالیزم پرولتری ^{۱۵} است.

سبت به مفهوم «همیستگی» نیز
مانند «انتربالیزم پرولتری» برداشت‌های متفاوتی
جودادار در دیدگاهی که در سند انتکاس
نامه «همیستگی» هم به مثابه
تر تابو «انتربالیزم پرولتری» مطرح شدیده و
مد در امروز ما چیزی که «مبازه طبقاتی» را بایان
رده است، همیستگی به مثابه «صلاح مردم رختکش» در
بکار علیه صاحبان قدرت و ثروت؛ به تنها ناطر بر
رورت همکاری و همیاری جهانی نیروی کارو رحمت

در شماره گذشته نشریه کوشش به عمل آمد تا ضمن بر شمردن عوامل محدود کننده‌ای که کمیسیون منتخب شورای مرکزی سازمان می‌بایست در چارچوب اتحادست^{۱۰} اهداف سیاسی و روش خدمتشی^{۱۱} را تدوین کند، مبانی فکری و ارزیابی های عمومی ناظر بر سند از دیدگاه نگارنده تشریف گرد، اینکه در ادامه مطلب موارد مشخص‌تری از سند‌هور دارتمان قرار می‌گیرد

۱- سوسيالیسم گدر هنثام بحث پیر امون سوسيالیزم به مثایه آرمان ها، این سوال پیش کشیده شد که آیا سوسيالیزم یک نظام اجتماعی - اقتصادی است یا مجموعه و نظمی از ارز شفاهی به نظر می رسد طرح سوال دیدن گونه، پژوهان صحیح راهگشا بیان شدند و دشوار بتوان میان این دو، مرز شیر قابل عبوری ترسیم کرد. «سوسيالیسم» مادام که صحبت از نظمهای نکری در میان است، نظمی از ارز شفاهاست و آنکه که «جامعه» صحبت می شود، جامعه ای اساساً متفاوت با جامعه مبتنی بر اصالح و تمرکز قدرت و ثروت در دست اقلیت چوکی از مردم را تعریف می کند، آنچه مروز و اجد اهمیت بسیار داشت، نه تلاش برای ایجاد تقابل مضمنی میان این دو جنبه مستتر در واژه «سوسيالیزم»! لذاکه اینست که:

الف- باتاکیدر سوسیالیزم به مثایله یک نظام ارزشی با تغیری که چندین سال بر ما مسلط بود و به موجب آن سوسیالیزم جمومده از "قانون مندیها" تعریف و شرعاً اور بدان پذیرش این "قانون مندیها" تلقی می شده، هر زندگی روشنی صورت گیرد.

ب- پایه ای ارزشگاهی که می توانند برای طراحی یک نظام ارزشی جامع و مانع مینا قرار گیرند، تعبیه و تکف شوند.

«سد» در رابطه با این دو مورد، اگر چه توانست حد پیش نت میاختنست در درون سازمان هارا که در کنگره حکمت متجلی شده بود، منعکس سازد و این خود نسبت به نداشته کام بلندی به پیش محسوب می شود آماده دارای از اسلامی های معینی است، در مرور سوسیالیزم «سد» به تکرار مجموعه کنترل سندنده کرد هداست، این مجموعه با تاکید بر یکن «در ازمان ما سوسیالیزم است و ما برای دستیابی اداره ز شهابی مسوسیالیستی مبارزه می کنیم»¹ کوشید تا ابطه میان سوسیالیزم و ارزش های سوسیالیستی را مورد وجود قرار دهد، اما خالی از ایهام نیست، این ایهام از لودگی ما به تکریش گذشته و تاثیرگذاری اندیشه ای که نیوز سوسیالیزم را مجده دارد از قانون نهندیها تعریف کنند، ناشی شده است «علاوه بر این، مجموعه کنترل ها تachsen است و یکی از مهمترین نکاتی را که برویه امروز، تاکید بر از هادر اثمار خود را این اندیشه سوسیال دمکراتیک تایید گردند، این اندیشه که جز از طبقه دمکراتیک ای راهی به سوسیالیزم چون دنار داران اندیشه هم تجربه کشتن خود را این تلاش خنی سده اخیر و از جمله تجربه کشتن خود را اتحاد مبوری موید صحت آن است، در مقابل ایده «انقلاب سوسیالیستی»² و «حکم غالب تغیر لنین یوں دتاب نیاورد و مصالح تحقیق اندیشه «انقلاب سوسیالیستی»³ آن شد که

ایدیه^{۱۰} انتقلاب سوسياليسٰتی^{۱۱} باين فکر تکمیل هي شد
نه تجربه شکل گيري مناسبات سرمایه داری در جامعه
نژادالى (در شرایطی كه ربانی سیاسی^{۱۲} همچنان نژادالى
ست) (دموکراتیک شکل گيري مناسبات سوسياليسٰتی^{۱۳}
رجامعه سرمایه داری قابل تعمیم نیست و هر گونه تحول
رجمث سوسياليزم مقدمتار گر و انقلاب سیاسی و کسب

در پیش از پوشش پروردگاری معاصر رفت و قیمت آن است که همه تجارب پسریت معاصر را مقابله باشند اماکن قرار دارند و به قول یکی از پیش نمود سلطان نمودست سوپریولیستی کشورمان (در گذشته) یا یکی از نشریات داخل کشور (امروزه این هارکس و انگلیس از سوریدار آیند و گشت و گذاری در اروپا داشته باشد، بخشنده ندان و گوچکی از خواسته ها و مطالبات آن روز خود را تحقق فته می بینند، بی آنکه رو بنای سیاسی که در ترمینولوژی ذشته ^{۱۰} سُر مایه داردی ^{۱۱} خوانده می شود با ^{۱۲} انقلاب سوپریولیستی ^{۱۳} دیگر گون شده باشد، این طبق فیض به لاحظ تکری در سازمان با وجود داشت در گذشته نخست های این ^{۱۴} انقلاب سوپریولیستی ^{۱۵} تعین گلیک شود، این نظر که محتمل ترین حالت برای استقرار روز شهادی سوپریولیستی، انباشت پدیدهای متفق و سپس نفخار اجتماعی است با صراحت ردد گردد و تصریح به عمل

درباره عیمه

زمان مم^۱ سلاح مردم رحمتکش در پیکار ملیه ماحبای
قدرت و ترتوت^۲ ای هم^۳ «مبانی همیاری و شارکت همه
مردم ایران برای بنای جامعه نوین و پیشرفتنه^۴ باشد و
فرمول پیشخداei حاوی تناقض است.

شاید در نگاه نفست این انتقاد وارد جلوه کند، اما
نگاهی پر واقعیت جوامع دمکراتیکی که مکتر یا بیشتر
بر پایه «مبستگی^۵» بناده شده اند، نشان می دهد که فرمول
پیشخداei نه حاوی تناقض بلکه مبتنی بر واقعیت مای
اجتماعی است.

در اینگونه جوامع کارگران و زحمتکشان ییدی و نکری
بر پایه اصل «مبستگی^۶» در سند کیاها، تعابونی ها، انجمن
ها و احزاب سیاسی خویش مشکل شده اند تا در مقابل
دولت و سرمایه داران، از منافع و خواسته های خود دفاع
کنند و در عین حال وجود ضامن های معتبر در مکراتیک،
همبستگی دوست و مردم در ابعاد ملی و همبستگی کارگر و
سرمایه دار در محدوده کارخانه را به واقعیتی انکار نایاب نزد
بدل کرده است و مادام که اصل همبستگی از جانب یکی از
طرفین تعقی نگردد، دلیلی وجود ندارد که در مسیر
پیشرفت سیاست آمیز یا مامه دنی مبتنی بر همبستگی^۷
در جهت برآید قوای طبقات و اشتار مختلف المนาفع سدو
مأله بذیدند.^۸

۳- انتخاب اجتماعی و نظام ارزشی
 پیش از این سازمان ماهمند سایر احزاب کمو نیست بر پایه این تزکه که را کسیسم - لینیسم ایدئولوژی طبقه کارگر است. رابطه دستگاه نظری حاکم بر حزب و انتخاب اجتماعی آن را وضع کی داد. اکنون که بینانی این تز ویران شده است، یار دیگر این پولیس پیش کشیده می شود که رابطه نظام فکری و انتخاب اجتماعی چیست؟ به بیان دیگر آیا سازمان ماهمند تا تصمیم به دفاع از منافع طبقات و انتقال اجتماعی معنی می گیرد و سپس بر اساس این انتخاب بد تبیین یک نظام اندیشه کی دست می زد و یا بر عکس، سازمان به انتکای یک نظام فکری پیرامون مطالبات اقشار مختلف اجتماعی موضعی می گیرد و این موقع الزاما شامل دفاع مبتنی از یک تشریف طبقه خاص نمی شود و حزب با یه طبقه خاصی تعلق ندارد.

کمیسیون در جستجوی پاسخ متنع براي این سوال
ابتدا کوشش نمود تا از ايجاد تقابل دلخواه میان "نظام
فکري" و "انتخاب اجتماعي" خودداری کند و از رد تر
"مارکسیسم - لینینism ایدئولوژي طبقه کارگر
است" اين نتیجه را نگيرد که میان "نظام فکري" و
"انتخاب اجتماعي" به بیان دیگر میان "منافع
طبقاتي" و "دستگاه فکري" پيچ رابطه‌هاي وجود ندارد و
طبقات مختلط نسبت به نظام‌هاي فکري گوئاگون
بپنهان شده و سپس بر پایه این نظر که "میان نظام‌هاي
فکري مختلف و منافع طبقات متفاوت، رابطه معين
وجوگذار" باديدگاههایی که يا حزب را به قيم
زمکنگشان يدی و فکري تبدیل می‌کنند، يالان رامحکوم به
دبالة روی از توده‌هاي نهایت، و یا پیوند احزاب با طبقات
ر انگارکه‌هاي کنند، هر زندگي کند.

حاصل تلاش کمیسیون در این راستاها، فرمولی است که در سند منعکس شده است، مطابق این فرمول، سازمان حزب هیچ طبقه خاصی نیست، اما از منابع و خواستهای کارگران و زحمتکشان یدی و فکری، زنان، خلثهای پیران، جوانان و روشنکران در راستای ارزشی خود پشتیبانی می‌کند، به این دیگر آنچه برای سازمان اهمیت درجه اول دارد نظام ارزشی ن است و از خواسته‌های تشارک هذکر تأثیبی دفاع خواهد شد که مفایرتی با این نظام ارزشی نداشت باشد، با این تذکر که به باور ما این ایجاد می‌کند و یک دیالکتیک درونی ایندو را پیوند می‌دهد و تاکید می‌کند اولویت نظام ارزشی متوجه موارد شخصی است که این یا آن بخش از مردم زحمتکش به لایل مختار، از موضع و خواسته‌هایی که به زعم اثادرست است دفاع می‌کنند، این تاکید بويژه با توجه به جریبه تاخ لئتلاف بدهمن ضرورت ييشتر یافته است.

۴- ساققلاب سوسیالیسم و دمکراسی
امروزه در حالی که نیروهای ترقی خواه جوامع
شرفت و دمکراتیک، بیش از پیش بر شیوه های مسابلت
بیز و تدریجی دست یافی به ار شهای سوسیالیستی
کیک می کنند، مبارزه قهرآمیز ملیه استیداد هنوز
دیده ای نموده اند و بوده در "جهان سوم" همو میت
اردو اکنون، در بهترین حالت، تنها می توان از تنو

اشکال میاره و تلتفیق باره مسلحانه و قهر آمیز با اشکال
میامیت آمیز و کارست^۱ قهر سرد^۲ سخن ثفت و اعتصیت
مدحور موید این استنتاج است که هنوز انقلاب دمکراتیک
در دستور کار یافش بزرگی از جوامع بشری قرار دارد.
در چنین حفاظی کوئیستی^۳ ابتلاخانه زیادی به عمل آمد
تا میان^۴ انقلاب دمکراتیک و^۵ گذاره سوسیالیزم^۶ به
کم نظریه های نظری^۷ راه شد غیر سرمایه داری^۸ و^۹
دمکراتیک خلقی^{۱۰} رابطه برقرار شود، اکنون که
ایده^{۱۱} انقلاب سوسیالیستی^{۱۲} اکنار گذاشته می شود در
پرسه استقرار تدریجی ارز شعایر سوسیالیستی در
جامعه مبتنی بر دمکراتی نیز هیچ نقطه مطفعی قابل تعیین
و تبیین نیست، بد لاحاظ تئوریک این امکان فراهم است که
ایمام دیرینه تغیر پیشین ما پیرامون رابطه انقلاب
دمکراتیک و گذار به سوسیالیسم بر طرف گردد و این
حکم مبنی اندیشه و عمل قرار گیرد که انقلاب دمکراتیک
که مهد استقرار دمکراتی ایجاد در دستور خوددارد، در
میان حال ممکنترین قدم به سوی سوسیالیزم است و آنچه
اعمال تغیر را به مردم تهییل میکند و به انقلاب دمکراتیک
سیماشی خشونت باور می دهد نه مطالبات عدالت خواهانه
مردم، بلکه مقاومت مستبدین در مقابل خواست مشروع
ازادی و دمکراتی است.

توجه به هو از رض متفق ایتمال قصر، در میان اپوزیسیون کشورهای جستجوی راههای مسالمت آمیز استقرار داده و کار ای انتقویت کرد این جستجو که نفسم مثبت است، که اگه از تبرداری های سلطختی و افکار هر نوع مبارزه کریم آیینه و سخت هر رابطه منجر می شود. در بحث کنسردانی که در صوفت اپوزیسیون پیرامون شعاع انتخابات آزاد جریان یافته، می تواند به کرات نیوونه های اینستونه برخورد و مشاهده کرد. مخالفان مشی "پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی" ضمن تاکید کامل به حق بر عوارض سو اعمال قصر و نتایج سازند انتقال مسالمت آمیز قدرت، طرفداران مشی "پایان دادن از افراد خواندن اصطلاح براخورد ای راهی جای ممکن با" قرار ندهند، از گذشت بیاموزن و نیروی خود را در خدمت تحول تدریجی و مستقر جامه قرار دهند.

میستانه در این فراخوان خبر خواهانه انجا که به رابطه "قصر و مسالمت" در کشور ما هر بوطی شود، نه در سی از گذشته و تاریخ وجود دارد، نه حرکت از نقطه "ممکن با" و نه شناسی از ایده تحول تدریجی و مستقر، تاریخ گذار جوامع استبدادی و قرون وسطانی به جوامع مکررت ای امروزی و روشنی نشان دهد که تغیری در تمام این جوامع، بروز گذار با اتفاقات قصر آمیز متعدد معمراه بوده و گذار جامعه سشار از قصر و خشونت قرون وسطانی به جامعه دمکراتیک نه از طریق ارائه راثناستی مسالمت از سوی اپوزیسیون، بلکه در زنجیرهای از اعمال تصری و قصر متعاقب، جایگزینی قصری تازه به جای قصر ندفون و تکرار این سیکل در سلطختی دیگر و اقتیعت یافته است. این امر البته تأسی بار است. اما واقعیت تاریخ است لازم است که همه جا پایا و واقعیت حرکت کنیم و درزی خوبی را که انتقال مسالمت آمیز قدرت است به جای این واقعیت که در کشور ما رژیمی خونریز حاکم است و ایصال قصر قرون وسطانی و جه ممیزه آن است قرار

البته هیچ پیامبری نمی تواند پیش بینی کند که هیچ گونه شناسی برای تسخیل مسالمت امیز در کشور ما وجود ندارد، اما همین این شناس خصوصاً منطقی و رووندهای و انتقی که جز تحکیم استیداد خودنریز بوده و نسبت، دره عمیقی فاصله است و ما حق تداریم آرزوهای نیک خوشی را به جای واقعیت های جاری، مبنیانی سیاست قرار دهیم، از اینروض ماضی ائمه شیوه های توطنه گرانه بارزه را رد می کنیم، ارزیجار خود را از خونریزی و خشونت بیان می داریم و مشی سیاسی خود را بر پایه کار آگاهترانه و بسیج و متعدد کردن مردم حول خواست دمه کر اسپیتمانی نیمیم، بر این حقیقت نیز آگاهیم که همه چیز طبق خواست و تقابل مردم پیش خواهد رفت و حکومت، مردمی را که برای طرح خواسته های خود به خیابان پیشیگیری کل باران نمی کند از اینروض آنکه که مردم در مقابل تغیر ضادلتایی حکومت، ناچار بر اهمال مبتدا تقابل شدند ما در کنار آنها خواهیم بود، این ایده در سند باشاره به حق مقاومت مردم در مقابل حکومت و ضرورت کاربرست شکال متنوع بیان زده است، اما مناسبت تر آن است که علاوه بر این متعکس شده است، اما مناسبت تر آن است که علاوه بر این موارد، در بخش روتس خط مشی مانیز مورد تصریح قرار نیز د.

کنگره، گستاخی از دیروز، واقعیت امروز و راه فردا

راه بعد از کنگره را چگونه باید پیمود؟

بهزادکریمی

۳) تدوین برنامه و نیز تدقیق خط مشی سیاسی سازمان، در صدر وظایف سازمان پس از کنگره است.

- اکنون که شرایط برای اندیشیدن آزاد و بازخوبی آزادانه اندیشه ها زیر جمتم و به کنایت محبی است، و اکنون که مسیر تکوین جمات و قناص بر تابه جدید بر اساس نظر شنیده های جدید را طی میکنیم، سازماندهی تدوین اندیشه های مرکزی چپ نوین و طرح بر تابه ای که براي ايران فرد پیشنهاد دارد میتواند پیش از مذاقه پیش بود، میدان براي تبادل نظر پیرامون "ماکسیستم" در پی چه مستیم و آنرا از کادمین راه میخواهیم" ایزا است.

در این رابطه، اهمیت سیاست دار دکه بهره مندی از همه خرد موجود در سازمان و نیز تمام اندیشه های مطرد و خود در مجاورت و خارج از سازمان، اصل راهنمای قرار گیرد.

خطای بزرگ خواهد بود هر آئینه برنامه سازمان، ملک

طلقی سازمان بنداشته شود، باید از همه اندیشه و خرد

تقسیم شده در چنین استفاده کرد،

همچنین باید نسبت به هر نوع خودباغتی ذکری - نظری در سازمان یا چنین که اندیشه های نیز نسل از داده و منجری را در وجود این یا آن تک ستاره خوش طالع و این یا آن محل اجتماعی خواهش اقبال روز مجنوین، مشاور بود.

این خطر نیز بر تابه ای امنیتی امروز را تجدید میکند که نوع نگاه چپ تحول خواه به جماعت و خویشتن، همان بر تابه

تلخی شود، کافی دانشمن تحوالت اندیشه نوین و به اصطلاح "انطباق مطلق" آن را بر این روز مجنوین، مشاور بود.

برنامه نوین باید بر اساس شناخت مستیم و اقتیت های ایران و استنتاج های نوین از وضع مشخص کشور تدوین گردد. در برنامه نویسی جدید، باید تاریخ حداقل یک تون اخیر مینهمنم و تامل و پژوه بر کیفیت انقلاب بشر و طبیعت و تضییض ملی نفت و انقلاب اسلامی، موقعيت ژئولوژیک ایران، ساختار ملی کشور، ساخت اقتصادی و گرایش های اصلی در اقتصاد ایران - آنکه که هست و نه اینکه از "ثبوری"ها برآید، مضمون و تحلیل نهادهای اجتماعی سنتی و حدید جامعه ما، فرهنگ و سنت و شعائر مردم ایران، و پطور کلی شناخت از هر آنچه که لازمه

دکرگونی ضرور جامعه ایران به شمول تغییر حکومت و ساختار سیاسی حاکم و تغییر از فرهنگ و تکر کنونی مردم است، مدنظر تاریخ گیرد. درین حال بهره گیری از تجارب کشور های دیگر بویژه در عرصه الگوهای رشد و توسعه، ضروری و حائز اهمیت است.

و بالاخره بیخواهی بگوییم که گمان من بحث مرکزی بر تابه ای در چپ تحول خواه و از جمله در سازمان ما، اساساً بر تابه ای در کیفیت رابطه آزادی و ترقی (تجدد) و عدالت، راه نیل به عدالت است به باور من:

مشخصه اصلی ما، عدالتخواهی باست؛ ما به این دلیل که عدالت میخواهیم، در آزادیخواهی و تجدد طلبدی پیگیر هستیم و بیش از همه آزادیخواهان و متعددین، در آزادی مستمر و ترقی بی وقفه دیغیت میباشیم؛ ما، برای سوسیالیزه شدن جامعه، جز آزادی و رشد راه دیگری نداریم و ترا تجهیز را که بناه عدالت بخواهد نمی و یا محدودیت آزادی و دموکراسی را تووجه کند و یا خواهد بنام عدل و انصاف، ترقی و پیشرفت را مهار بزند متعاقب به مقولات علم و استبداد و ارتاجاع میباشیم؛ ما، ساختهای جامعه ای را که در آن ارزش های سوسیالیستی حاکم است، تنها از طریق بسطه دنی و پیوسته عدالت بسد مردم آگاه و آزاد و صراحت بر پست آزادی و ترقی قابل تحقق میداییم؛ و ما، مبارزان اصلاح طلب مستیم و انقلاب و اقتی اجتماعی را انتقاد میکنیم و میگیریم در رابطه با پیگیرانه در جامعه موجود در کشور.

: در رابطه با خطمشی سیاسی سازمان، که کنگره با موقیت جمات و زوایایی در این عرصه را روشن کرد، البته جای تدقیق باقی است.

کنگره، با تأکید بر رزمندگی و بلاتحراف بودن مشی نئی حاکمیت جمهوری اسلامی، تصریح در حرکت برای تشكیل جمهه جمهوریت از آزادیخواهان و متعددین، با اعلام دموکراسی بعنوان هدف سیاسی ما - و از اینظریق ره حاکمیت هرگونه ایدئولوژی و مکتب و آئین - با طرح پارلمان بعنوان نهاد اصلی قدرت در ایران آینده - و از اینفراد ره حاکمیت انصاری این یا آن جزو بر جامعه - و بازخوبه با تأکید بر ساختار تشكیلاتی خارج - ساختاری منعطف

این اینظریق تعمید عملی به دموکراسی و نیز توسعه و اقتی پایه دموکراسی و جمهوری در کشور کشیر المله ما - گام بقیمه در صفحه ۱۷

مناسی برای این ابتکار لازم می باشد، در ضمن، تصمیم

کنگره پیرامون پرسی علکرد مشخص کمیته مرکزی سابق سازمان و رائده آن به کنگره آن نیز، تبادل نظر و راستای پیشنهاد نویق می تواند جنبه عملی، سالم، دقیق و دست آموز بخود بگیرد.

سازمان بعثتیک یک نیروی سیاسی نقاله همواره با امور اتحاد ها وحدت مواجه است لازمه اتخاذ سیاست مستولانه

و نتیجه بخش در قبال این امر، تصحیح متولوژی در این زمینه و ارتقا، شناخت از همه نیز و هارجینات اپوزیسیون است، از این رو جمع بست نقدانه از سیاست اتحادها و وحدت سازمان در گذشتۀ حالت اهمیت جدی است.

خطمشی نوین اتحادها باید بدور از هرگونه شیوه های

دیپلوماسی، هاری از کلی باقی، بر حذر از محافظه کاری و احتجاب از تاکتیک های "مرضی الطرفین" تدوین شده و از اگرداد.

کنگره، از نوع نگاه در گذشتۀ بجهان در گذشتۀ بازتاب این نگاه در عمل و منش خود انتقاد کرد، این اظهار

نظر انتقادی که اجمالی و ناقص بود می تواند تکامل و صراحت باید هم دستوارد حاصل از آن، در مناسبت با این نیرو و نهادهای غیر ایرانی منعکس شود.

متد جدید بر خورد ما بجهان با باید بر نقی قاطع نگرش

ستنک پیشین و در همان حال اجتناب از هرگونه ملیت پرستی تند بینانه استوار گردد. سازمان پس از کنگره باید

های بی مورد را که گهگاه جایگزین چشم داری مردود و پیشین می شود، بکلی کثار بگذارد.

سازمان، باید موضع خود در قبال هر رژیم، هر تعاد و نیروی بین المللی و هر اتفاق و حرکت در سطح این یا آن

کشور و به معنیاس جهان را تهاب از منتشر جهت دار

معیارهای انسانی صلح، آزادی، دمکراسی، شد و پیشرفت،

عدالت، استabilit و امنیت همگانی هبور دهد. نکر درست بازسازی هویت و سیمای ایرانی سازمان، نه در فوریت

به لام ملی که تبدیل چنین شیوه بر خورد نسبت به جهان است که مدتی خواهد بیافت.

- کنگره در باره ساختار تشكیلاتی گذشتۀ ونوع مناسبات درون سازمانی پیشین، بر ضعف مغوط دموکراسی در

حيات سازمانی ما و علکرد شیوه های غیر دموکراتیک درست

آنکه گذشت. این انتقاده اکنون باید در تنظیم مناسبات نوین تجلى یابد. قرار گرفتن دموکراسی بعثتیه

ستگ پایه انسانی درون سازمانی، تضمیم کامل آزادی فردر در درون گذشتۀ سازمانی این دست است.

پیش شرطهایی است که باید بتواند از کنگره آن

از کنگره به سوی بازسازی ساختار تشكیلاتی و مناسبات

سازمانی جدید باهمیت و مضمون دموکراتیک قرار گیرد.

در رابطه با تشكیلات داخل، که تقطعاً سازماندهی آنرا

باید قبل از ممهی یک امر سیاسی دانست تا نهی، باید بر همچ

اگر و مگر پذیرفت که، تضمیم کیرندگان که از این دست

و طرد نسبتاً موفق ساختار کهنه پیشین و روشنها و

شیوه های ساقی، باید پیش از همه بازگوئه مشکل گریزی و

وتن زدن از کار که به اندھانوگون و محمدتا اینتیزه فرار

از پذیرش تعداد تجلى می باید، و نیز باز خود ای این

که معمولاً زیر شعار آزادی و دموکراسی استار میشود،

قعد تامین دموکراسی کار، یک تشكیل مبارز راهلا تا

سطح یک سازماندهی فعال صفا کاری تزلی میدهد، باید

بر حذر ماند.

در حال حاضر پیشنهاد من آنست که: هیئت مسئولین

سازمان ضمن به کارگیری می ایده دموکراتیک و همچ

مادراد، جمع اوری کلیه مدارک لازم برای این

نمایندگی از پذیرش کنند، طور کلی فروبرده که گویا

اندیشه است، بر عکس بایدار از کنگره را از قدر

زرف و جامع از گذشتۀ خود قرار دهیم. این سند باید مبنای

هر ای و ممکنی کشته در سازمان می

توان از آن داشت، و طیله رهروان راه بعد از کنگره است.

صدور این طبقه که خود گام بزرگی بود، به هیچوجه

نایاب کنندی تلقی شود و یا هاردر این خیال فروبرده

گذشت. این قدر از این میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ای تلقی شود و میتواند از کنگره را از قدر

اندیشه ا

طرح کارپایه تشکیلاتی

ساختار تشکیلات: ۱۹- سازماندهی تشکیلات با توجه به شرایط و پیشگاهی نیروهای سازمان، بر مبنای تنوع اشکال سازماندهی و استقلال عمل واحد در چهار چوب نیل به آرمان و ارزش‌های پایه‌اند سازمان استوار است.

۲۰- سیاست ناظر بر سازماندهی نیروها در داخل کشور براساس عدم تمرکز، محدودیت اطلاعات، حفظ نیرو و استقلال عمل فعالیت واحدهای سازمانی استوار است. نحوه سازماندهی و اراده‌های داخل تعیین می‌گردد.

۲۱- سازمان، از استقلال سیاسی تشکیلاتی کامل برخوردار می‌باشد.

۲۲- ساختار تشکیلات عبارت است از: واحد پایه، کمیته (یا خودهای مسئولین)، کروهای کار، شورای مرکزی و کنفرانس.

تصریح ۱: ساختار تشکیلات در داخل براساس سیاست ناظر بر سازماندهی نیروها در داخل تعیین می‌گردد.

تصریح ۲: ساختار تشکیلات در خارج عبارت است از: واحد پایه، کمیته کشوری (یا خودهای مسئولین)، ارگان هدایت و سماحتی تشکیلات خارج از کشور، وظایف اعضا و فعالیت تشکیلات در خارج کشور:

۲۳- کمک مادی و معنوی به مبارزان داخل کشور و خانواده شهداء و زندانیان سیاسی.

۲۴- افسانه چنایات رژیم اسلامی در سطح بین المللی و جلب حمایت مردم، شخصیت‌گذاری و سازمانی از مبارزات و خواستهای مردم ایران.

۲۵- کمک به توسعه و فناوری ادبیات و فرهنگ و هنر ایرانی از طریق حمایت از هنرمندان و کمک به برگزاری جلسات فرهنگی- هنری، هنرمندان ایرانی، و آبادانی ایرانی.

۲۶- کسب تخصص‌های علمی و فنی در جهت خدمت به هم‌میهان و کمک به پیشرفت و آبادانی ایران.

واحد پایه:

۲۷- واحد پایه در تشکیلات خارج کشور، واحد شهر است، که در پرکردن مناطق و هواداران مقیم یک شهر می‌باشد.

تصریح: در صورتیکه تعداد اعضا و هواداران یک شهر کم باشد، واحد پایه مرکب از اعضا و هواداران سازمان در چند شهر مجاور تشکیل می‌گردد.

۲۸- واحد شهر در اجلاس‌های عمومی خود می‌باشد راجت هدایت و پیشیر دامور جاری واحد، انتخاب می‌کند.

۲۹- هم‌های منتخب واحد شهر گزارش‌گیری مجموعه عملکرد خود و واحد تخت مسئولیتی را بطور ادواری به کمیته کشوری و به اجلاس‌های عمومی شهر ارائه می‌دهد.

کمیته یا خودهای مسئولین کشوری:

۳۰- کمیته یا خودهای مسئولین کشوری از طریق انتخابات کنفرانس کشوری نیا مبنظری دارد که می‌شود.

۳۱- کنفرانس‌ها و کمیته‌های کشوری (یا خودهای مسئولین) در چهار چوب مصوبات کنفرانس و شورای مرکزی دارای اختیارات تام بوده، سازماندهی نیرو و وظایف سیاسی، تشکیلاتی، مالی، اتحادهای و اراده محدوده فعالیت خود را به نامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌نماید.

۳۲- کمیته (خودهای مسئولین) کشوری گزارش عملکرد خود را بطور نوبتی بد واحدهای تحت مسئولیت و نیز گزارش عملکرد مجموعه نیروی سازمان در منطقه را به ارگان، نوی ارائه می‌دهد.

ارثان هدایت و سماحتی تشکیلات خارج کشور:

۳۳- جمعت مسئولین کشوری و هم‌های سیاست‌ها و امور تشکیلات خارج از کشور، اجلاس‌های هم‌هایی کشوری ها و کروهای کار تشکیلات خارج بطور ادواری تشکیل می‌گردد.

۳۴- این اجلاس‌ها، ارگان تصمیم‌گیرنده در امور تشکیلات خارج در فیاب کنفرانس و کمیته خارج کشور است.

کروهای کار:

۳۵- گروههای کار منتخب کنفرانس اول، در چهار چوب مصوبات کنفرانس، برنامه کار و وظایف خود را تدوین و به توصیه شورای مرکزی رسانند.

۳۶- گروههای کار در اجرای برنامه کار خود مستقلانه عمل می‌نمایند.

۳۷- گروههای کار موظفند گزارش‌تنتیم عملکرد خود را به شورای مرکزی ارائه دهند.

۳۸- گروههای کار حق دارند گزارش کار خود را مستقلانه کنند.

۳۹- گروههای کار حق دارند گزارش کار خود را مستقلانه کنند.

شورای مرکزی، حقوق و وظایف:

۴۰- شورای مرکزی موظف است تدارک نظری و عملی کنفرانس دوم را در سریوحه وظایف خوبیش قرار داده و در این راه تهمام امکانات را جمیت برخورد خلاق و شکوفا نمایند.

۴۱- شورای مرکزی گزارش اوضاع سیاسی، وضعیت تشکیلات سازمان و نعایت خود در سازمان ایجاد کند.

۴۲- شورای مرکزی در چهار چوب مصوبات کنفرانس در قبال مسایل و رویدادهای ایران و جهان موضعگیری می‌نماید و تاکتیکی ها و شعارهای روز ابر می‌گزیند.

۴۳- در هوازدی که کنفرانس سازمان ناقد مصوبه مشخص باشد، شورای مرکزی طرح‌های لازم را تدوین و به تصریح خواهی تشکیلات می‌ذارد. این طرح‌های اساسی از تصحیح و تائید از طریق رفراندوم، بتوان مصوبه سازمانی مبنای فعالیت تشکیلات و ارگانیات مسئول ترا رخواهید گرفت.

متقدم: جمیت تنظیم روابط مناسبات اعضا و فعالیت سازمان تا کنفرانس دوم، طرح زیرین که توسط «جمهیسون تدوین کارپایه تشکیلاتی» تعبیه شده است، پیشنهاد می‌شود، این طرح پس از نظر خواهی متندمانی و تکثیل آن در شورای مرکزی مجدداً به تشکیلات ارائه می‌شود و در میان اعضا سازمان به رفراندوم کذاشتۀ خواهد شد، در صورت کسب توانی اکثریت اعضا تاکنفرانس آئین مبنای تنظیم روابط مناسبات درون سازمانی قرار خواهد گرفت.

عضویت و شرایط:

عضو سازمان کسی است که:

۱- حداقل ۸ سال سن داشته و دارای تابعیت ایران باشد.

۲- ارگان و ارزش‌های پایه ای سازمان را پذیرد و با یکی از ارگانها یا واحدهای سازمانی در ارتباط‌کاری قرار داشته باشد.

تصریح: با ارتباط‌با واحدهای سازمانی در داخل کشور براساس شرایط ویژه تعریف می‌شود.

۳- حق عضویت مابهانه خود را پذیر دارد.

۴- از سلامت امنیتی و اخلاقی برخوردار باشد.

حقوق عضو:

۵- انتخاب شدن و انتخاب نردن برای همه ارگان‌ها و مسئولیت‌ها حق هر عضو سازمان است.

۶- عضو سازمان حق دارد فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مستقل خود را داشته باشد.

۷- عضو سازمان حق دارد نظری برگزاری انتخابات و پیشنهادات و انتقادات خود را در سازمان پاکارچ از آن انتشار دهد.

۸- اعضا های نظر در سازمان حق دارند، اجلاس‌های نظری برگزاری انتخابات و نظرات خود را تدوین کنند و انتشار دهند.

۹- عضو سازمان حق دارد در جلسه ارگانی که به بررسی عملکرد وی می‌پردازد شرکت جسته و توصیهات ضروری را ارائه نماید.

وظایف عضو:

۱۰- عضو سازمان موظف است در حد توان و امکان خود در جمیت نیل به آرمان و ارزش‌های پایه ای سازمان تلاش نماید.

۱۱- عضو سازمان موظف است در حفظ اطلاعات امکنیتی سازمان بگوشد.

تصریح: آنچه که علني شدن آن امنیت اعضا و واحدهای سازمانی را مورد مخاطره قرار دهد، اطلاعات امنیتی تلقی می‌شود.

عضویتی:

۱۲- تقاضای عضویت داوطلب، همراه با معرفی نامه دو عضو سازمان در جلسه پایه موردنرسی ترا را گرفته و تصمیم لازم اتخاذ می‌گردد.

۱۳- گزارش تصمیمات اتخاذ شده در مورد پذیرش عضو جدید به ارگان‌ها مسئول ارائه می‌شود.

تشویق، تنبیه:

۱۴- اعضا و فعالین که وظایف سازمانی خود را مستولانه و با جدیت پیش می‌برند، تشویق می‌شوند.

۱۵- جنابه عضو سازمان وظایف سازمانی را مکررا او بدون عذر موجه انجام ندهد، ارگانی که علني شدن آن امنیت اعضا و واحدهای سازمانی را مورد مخاطره از آن انتقام بگیرد.

۱۶- در موارد زیر عضویت فرد لغو می‌شود:

۱- نفوذ در سازمان ها و احزاب.

۲- همکاری اطلاعاتی بازیم جمهوری اسلامی و یادولت های خارجی سو استفاده از مقام و موقبیت سازمانی حقیقت و میل آنکه از اموال سازمان.

۳- تصریح: مورد اتهام در ارگانی که فرد در آن فعالیت می‌گردد مورد تقویت جامعه است.

۴- در موارد زیر عضویت فرد لغو می‌شود:

۱- سازمان اعضا و یادولت های فرستنده، در نوع فعالیت دمکراتیک دیگر عضویت یافته و فعالانه در پیشبرد اهداف آنها بگشند.

۲- عضویت و فعالیت در حزب یا سازمان سیاسی دیگر برای عضو سازمان نیست.

بخشی پیرامون رابطه شعار انتخابات آزاد با سرنگونی

اين دو مانعه الجمع اند

دکتر رضا جوشنی

جامعه و نیروهای سیاسی ندارد و فقط پایان کار یعنی دوره‌ای که انتخابات آزاد دزیر فته شده و در حال انجام است را در نظر می‌کردد حالیکه صحبت بر سرتاچن و میانت هم اکنونی شعار و سیاست انتخابات آزاد باشمارس نگوئی است زمانیکه انتخابات آزاد صورت گرفته و بسیاری از جهات و جنبه‌های استبداد و لایت فقیمی را ایل شده و علت وجودی خود را از دست داده است.

شعار و سیاست انتخابات آزاد باید متنکی برآزدی انتخاب هر کس و هر نیروی سیاسی برای قاطبه مردم باشد چه این انتخاب یک انتخاب چپ یا سبز‌الی باشد و یا یانکه سلطنتی و یا حزب‌الی باشد چه حرف آخر را این قاطبه مردم بارای آزادشان خواهند زد، شاید ایران‌گزندۀ شود که اگر **مین** قاطبه مردم بارای آزادشان هر تک اشتیاه بزرگی شدنداشند، این بار به جای آخوندها و حزب‌الیها شاهدند، **رازه** مستندقدرت شاهدند، چه خواهد شد؟ در این صورت باید گفت که مردم فلاکتی دویاره برای همیشه به جان خردیده‌اندک متی در این حالت هم هیچ نیروی سیاسی را حق آن نیست که به دنبیت از مردم به اقدام و پیزه ای متول شود تا جلوی این اشتیاه بزرگ را بگیرد، سیاست انتخابات آزاد مبنی است بر تحمل و پذیرش اندیشه‌دگران اندیشاون چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، این تحمل و پذیرش موعدیت ممه نیرو و های سیاسی جامعه نظرپرای دوره‌ای نیست که تمدیدات و تدارکات لازم برای انتخابات آزاد فراهم شده است، پذیرفتن این منطق از مردم اکنون که در راه قبولاند شعار انتخابات آزاد تلاش و مبارزه می‌شود، تاریخ سیدن به آن دوره شرایط ضرورت اکسیدارد.

زبان هم مرگ بر تو و زندگانی داد و سیاست دموکراتیک انتخاب آزاد هم خواهی ندارد. بهم باید رژیم را وارد کرد اما اعمال سیاست همو و نایابی دیگران دست بردارد و هیسترن خوبنیری را که توزی و عداوت را مدنون شدیده است که ایزو یسیون در اعلان سیاست انتخابات آزاد و قابل اعتماد آن یعنی عقلایی و مناسب با آن سخن گوید.

از هم اکنون است که قایل شدن ^{۱۵} نشر مقدمه ^{۱۶} و اصرار بر تابودی و ادامه سیاست بر ایندازی دیگر بیرون هاچه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون بی مهناست زیرا که سیاست بر ایندازی و سرگذشتی که بر منظر خشونت تاکید دارد با سیاست انتخابات آزاد که راه مسالمت را تجویز می کند در مباینت قرار میگیرد. لذا دو آن قلی از همه به چشم مداعن شواهد انتخابات آزاد و سرنگونی خواهد رفت و از رواج و نفوذ و استقرار آن خواهد گشت.

استبداد خشن مذهبی رژیم حاکم بر مینه تاریخی تقدان فرهنگ دموکراتیک در مناسبات اجتماعی، تقدان سنت انتخابات آزاد و بیکارانگی سیموم اهالی بان، به بازی گرفتار آرا مردم در انتخابات های ملماشیش چه در رژیم شاه و چه در رژیم کشوری و هم در تقدادی انداشتن و قبولاندن شعار و سیاست انتخابات آزاد را هم در نیروهای رژیم و هم در مستند از نیروهای سیاسی اپوزیسیون و هم در میان مردم که قوه اصلی تحمل آن به رژیم مستند نفوذ العاده دشوار می کند.

بعدین، دلیل باید کار توضیحی فراوانی روی آن صورت گیرد و جهات ابعاد آن برای جامعه و نیروهای سیاسی رفع و روشن گردد که لازمه آن تبادل نظر، مشاوره و مذاکره هست. مهد نیروهای مختلف و موافق این اختصار و سیاست است. (بجایت) درینجا میتوان جایداد آور شویم که امتناع برخی از سازمانها و شخصیت ها از جمله سازمان امنیت ملی از شرکت در میزبانی اخیر ایرانی، (بررسی امکان انتخابات آزاد در ایران)، تدارک شده بود، تعجب میکنیم رابر انتیکیخت. بوپریه اینکه کمیسیون چنین گروه کار انسانی را کنترله بر پلاکفرم سیاسی پیشنهادی خود که مورد تایید کلی شورای مرکزی سازمان نیز قرار گرفته است، او لشکار انتخابات آزاد را بعنوان شماری که همه بیاره باید روی آن تمرکز یابد اعلام کرد و در ثانی، در جای دیگر تصریح نمود که از مذاکره با همه نیروهای اپوزیسیون استقبال می کند.

این واقعیت است که شعار و سیاست انتخابات آزاده بیکاره سورد پذیرش و اجر اقرار نمی کیرد و اکنون باید بر پیش زمینه ای تحقیق آن باز شدن تدریجی فضای سیاسی، قدم گذاشتن حامی عده در راه دموکراسی، آزادی بیان، عقیده، قلم، آزادی تشکل ها و سندیکاها و آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی و... تاکید داشت، تامین دموکراسی در کشور مکانیک سخت جانی یک فر هنگ حقب مانده در بخش قابل توجهی از اعمالی و یک رژیم تمام داده دموکراتیک را در خود دارد، نهدفی سلط الوصله که باد شواری بسیار مردم اهانت یافمین دلیل است که باید در ابتدای امر از طریق شعارهای مطابالیتی یاد شده بر تامین دموکراسی در کشور پای فشرد (و در این راه از اشتراک میانی با یکدیگر نیرو و مهله در ابوزیستیون و چه بخطار پیرامون حاکمیت ابائی نداشت) و استقرار یک رژیم ایده ال کاملاً دموکراتیک را به دوره های بعد می کوک کرد، باید باعث شدن شعارهای مطابالیتی فوق در میان مردم از طریق تامین هر چه بیشتر فعالیت نیرو های سیاسی مردم و همراه از اهمیت قانونی و عملی مبارزه برای تامین فعالیت سیاسی کشور و کشاندن تدریجی مردم در پشتیبانی از این شعارها و این راهنمایی مبارزه و بالاخره قانونی شدن تدریجی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، راه دشوار تامین دموکراسی در کشور را همو بکرد، تحقیق مطالبات فوق نه مغایر اهمیت در از امداد تر شعار و سیاست انتخابات آزاد، کلاز مدان است.

تلاش برای فعالیت قانونی از جمله وظایف مهم چنین ماست، ما حق نداریم خود را از این امکان بالقوه در جامعه محروم گردانیم، داشتن برنامه راهیکال اصلاحات اجتماعی باید مانعی برای فعالیت قانونی به حساب آید. تلاش رژیم برای ادماه وضع موجود در قریب قانونی نکنمداشتن، و ادھره فعالیت زیرزمینی باعذف انتزاعی بیروت و های چپ، باید با پیارزه و ابتکارات ما در جمیت تامین نعالیت های قانونی در اشكال گوناگون آن، ختنی شود، این تابوکه بیش از نیم قرن است که چنین مهاتمیتی شده، باشد سکسته شود.

پیکربری این سیاست و درادامه آن سیاست انتخابات آزاد حقیقت فعالیت سیاسی مارا در زندگان مردم تامین و حربه رژیم را در سرکوب مبارزین میسیوسی به بیانه شفار سرثکونی که از جمله سیوهای اعمال قدر اینز دست اوپر آن قرار می دهد، کندرت می کند و بیرای فعالیت های ملتی و قانونی نعالیل سیاسی راه می کشاید (این "نه کنار آمدن" بارزیم و انصراف و اطمینان پیشمانی از مبارزه با آن بلکه راه "کنار زدن" ارجام، باحریه در "کنار مردم" بودن است،

شرايط و پيروزه جامعه و رژيم خشني که با آن در گير هستيم ماراز طرح و در پيش گيري
بقيه در صفحه ۱۲

نادداشت: در کذکش سازمان ما با اوردن شعار «پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرگونی رژیم جمهوری اسلامی» در صفحه آخر نشریه کار مردم را به مبارزه برای سرگونی رژیم فر امی خواست و در صفحه اول نشریه نیز شعار «از آزادی فعالیت احزاب سیاسی و آزادی انتخابات نخستین شرط دموکراسی است» به مردم دعوه بعمل می آمد که برای تحقق آنها مبارزه کنند و هم رژیم را خطا طب قرار می داده احزاب سازمانها و جمیعت های سیاسی کشور را آزاد بگذارند که در صحنه سیاسی کشور حضور آزادانه داشته باشند و سرنوشت و اداره کشور با از جمیعت آزاد به مهد نمایندگانی که از سوی مردم انتخاب می شوند، سپرده شود.

کنگره نخست سازمان نیز متساقنه ملیر قم ده روز بجث و فحص های بی پایان در هر صه های دیگر توانست در این عرصه هم تامل در خوری کند و تنبه با تغییری در شکل شعار سرنگونی و انتطباق آن با روایه مسالمت جوی سازمان بیدرفت که از بکارگیری ترم سر تگونی پر هیز شود و مnasabat خود را برای این باترم ^{پایان دادن} ^{منظیم} نکند که در اساس خود ^{امور و نهادی} ^{امور و نهادی} از این دارد.

مطلوب کوه از زیر که ^{۲۰} ماه پیش از برگزاری کنگره در ابظمه شاعر نوق تنظیم گردیده است و مخاطب آن نه تنها نیر و های سازمان که محمد نیر و های سیاسی کشور است اکنون با تغییرات مختصر حتم درج در اختیار نشیریه کار گذاشته می شود.

اکنون که چنین مادر جستجوی راههای جدید مبارزه علیه استبداد مذهبی باهدهف تامین و تحقق دموکراسی و ازادی و بروز رفت جامعه از بحران کشندگ و نجات کشور از خلاص اقتصادی اجتماعی و کشاورزی در میثاست دشوار مردم شر اقتضنده میهن است، سه صدر سیاسی می طلبده که از تنوع راهها و شیوه هایاری حصول به اهداف فوق استقبال بعمل آید تا بعترین و موثر ترین برگزیده شود و اینچنان عمل چنین قرار گیرد پدر و راست که هر را پاپشاری بر شعارها و شعائر متباین با راههای شویه های نوین پر کنیم و هم مدده را مصروف توسعه و انتطاق با اینچنان شعار و راههای جدید که در آینه متفاوت هست و تاخیر مائی که تاکنون صورت گرفته تعبات زیان بخشی داشته است، برای جلوگیری از تکرار آنها و برای اینکه سازمانهای سیاسی زنده و متوجه باقی بمانند چاره ای نیست که در تنظیم مناسباتشان باکلیمه نیز و راهی اجتماعی و سیاسی جامد با پایه ای و اتفاقی گام بردارند.

عنه عین پر افغانی خارج کی از تدریس و درایت سیاسی می کاھد و راهنماییکی مرد
را در اختاذ سیاست ها برپانه سیاسی می گشاید، البته خطری که در این نوسازی
در کمین است، در طبلیدن به اشتباها جوشان ناپذیر جدیدی است زیرا نفوذ و شور
دستیابی مرچه زودترین راه حل می تواند چشم انداز دیدن و اقتیاد خشن سیاسی
و پیزه جامعه ناتوان گرداند خطر انتس که راه نجات نلاخت اجتماعی کشور مابغفلان
کشور یکسان گرفته شود و بار دیگر اه آسان سیاست گذاری "مدل" تکرار شود،

سیمای هر حزب و سازمان سیاسی پاها دارد، بر تابه سیاسی و خط مishi و سیاست آن در قبال نیروهای اختتامی جامعه و رژیم و بیویژه تغایریت علی آن در حیات سیاسی روزمره‌گارانه شناخته نمی‌شود. ضامن بقای یک سازمان سیاسی کاربرد در ایام و دست لازم در گیرش اهداف قابل تحقق، تعینی درست خط مishi و تلاش پیشگیر در شناساندن و چنان‌دختن آن و تغایرت مملی مستقر در راه تحقق آن است، اگرچه پذیریدگی که انتخاب هدف برای دستیابی است نه صرفاً غلام و ثبت در تاریخ، لذا روزگار است سیاست های و خط مishi های بگونه‌ای تعیینی و تنظیم گردید که تغایرت های عملی راه تحقق آن اهداف را بهمراه ساز و در غیر اینضورت جز نقصانی خواهد و قدر این‌هزار خلی تغایر نخواهد داد.

بسیاری از سازمانها و احزاب سیاسی کشور، اخیراً بایش کشیدن سیاست و شعار^{۱۳} انتخابات آزاد^{۱۴} درگیر یک تناقض آشکار وجودی باسیاستها و شعارهای سر نگوئی (در اشکال گوناگون آن) که هم اکنون نیز برآن پای می‌نشود، مستند، سیاست انتخابات آزاد، رژیم و دیگر نیروهای کشور را فرامی خواند که وارد کارزار انتخاباتی شوند و بهان گردند نهندن انتخاباتی را مدد کنند باز پریز مردم چیخته مردم باری خودبده این ادعا پاسخ مثبت دهد و یا تأثیر داد لعل کند، طبیعی است در این میان من مبارز انتخاباتی چه نیروهای سیاسی باهر میزان و درجه ترقی و ارتقاء حق خواهند داشت، یا بهیندان کذا ندو از امردم را از آن خودویاسازمان و حزب خودکشند و بسته به نظام سیاسی اینده بمعانی میزان در قدرت سیاسی سهم گیر ند و بانداز بشند. بدین معنی است که در این مسابقه^{۱۵} انتخابات^{۱۶} نمی‌توان پیچ نیروی را پیشانیش بایکوت و پیاساقط شده اعلام کرد، رژیم جمهوری اسلامی در این رابطه از جمله به این دلیل مور داعتر ارض و شمات است که همکان است که هفرون آزادیگران را قبول نکرده و همه نیروهای سیاسی جامعه را بایکوت و فریقانوئی کرده است، در واقع رژیم بالاعمال سیاست سرنگونی و نابودی نیروهای سیاسی خالق و سو استفاده از اهرم و قدرت دولتی به امام‌حاج فیزیکی و سیاسی شناسد است یازدیه و مارمولکاری خود را در جامعه محروم نموده و بازار انتخابات^{۱۷} کشور را به انحصار خود راورد است و طبیعی است همه کسانی که در این^{۱۸} بازار انتخابات^{۱۹} رژیم از صندوق هاسربرون می‌آورند، ازو نداداران رژیم بشنید، چرا که بدیلی در کار نیست و مردم از اختصاص آر اشان به سود شیر حکومیان منع و محروم هستند. بحث برس می‌افقت باعده موقنست نیست زیرا بچنین انتخاباتی هیچ نیروی سیاسی از چپ ترین تاراست ترین شان منطقانمی تو اند مخالفتی داشته بشد. موضوع این است که مردم و جامعه از هم اکنون در تعیین حق سرنوشت خودو تعیین از گانهای عالی قانوننگذاری و اداره کشور با^{۲۰} فرمی حق انتخاب^{۲۱} انتخابی لازم را باید و از آن دفاع کند و با این روش رژیم را برای تأمین چنین حقی باهمه مقاومت ها و عدم قبولش به عقب نشینی^{۲۲} تکینی^{۲۳} ادارد.

این استدلال که انجام انتخابات آزاد خودنامی و رافع رژیم است، لذا میبایست باطرح توافقان آن باشمار سرنگونی رژیم نیست، التقاوی به وضع حال و شرایط مغلوبی رژیم،

ماده ۵

۱) کسی را باید شکنجه کردد
مورد هیچکس نباید رفتار یا
مجازاتی ظالماً نهاده، غیر انسانی و یا
توهین آمیز معمول داشت^{۱۰}

ماده ۶

۲) هیچکس را نمی توان
سرخود دستگیر کرد، در زندان
نهاده است و یا زارگشوار اخراج
کرد^{۱۱}

ماده ۷

۳) هر انسانی حق دارد در حیات
فرمتنی جامعه خود آزادانه
شرکت جوید از هنرها بصره مند
شود و در پیشترفت دانش و استفاده
از دستاوردهای آن سهیم باشد^{۱۲}

۴) در رژیم جمهوری اسلامی بالای تمام از
حقوق بشر اسلامی^{۱۳} دستوری؛ زندان،
شکنجه و اعدام، فعالیت سیاسی،
هرممندان، روزنامه نگاران، ناشران،
معلمان، دانشگاهیان، نویسندهان،
استادان و شاعران، بی محاذاه صورت
می کنند، سینم دهانها، شکستن قلم ها و
به خون نشاندن مبارزان راه آزادی و
عدالت مجاز است.

ماده ۸

۵) هر انسانی بدون هرگونه
تبیيض بر اساس نزد، رنگ،
جنسیت، زیان، مذهب مقاید
سیاسی و دیگر اعتقادات باهر
منشاء ملی یا اجتماعی و
باهر موقعيتی به لحاظ مالکیت و
نسب، حق دارد که از حقوق
وازدیگیان بیان شده در اعلامیه
جهانی حقوق بشر برخوردار
گردد.^{۱۴}

۶) در حقوق بشر اسلامی^{۱۵} اقلیت های
ملی و مذهبی فاقد این حقوق نند و در صورت
اعتراض تحت آزار و شکنجه و بازداشت
های جمعی و خودسرانه قرار دارند
مبارزین کرده، شرکن و بیلچ و... به جرم
همکاری با جنبش های آزادیخواهانه خلق
های شان شکنجه و اعدام می شوند و
صاحبان اندیشه ای فبر اسلامی و
غیر مذهبی مجاز از تاخته اعدام دارند.

۷) در یک کلام مر صهیگانی گوئانگون میخای
جامعه ما و دستخوش یک تجاوز هام، همه
جانبه بی پروا و خشن گزینان،
سانسور چیان و مقتضیان رژیم است رژیم
ولایت فقیه با دیدگاه کهن و فرسوده
گذشته، جامعه مارادچار خفغان و رکود
فرمتنی کرده، آینده میهن ما را تبا
می کنند.

۸) می توان و باید با بیکار متعدد،
متاجوزان به حقوق بشر را که در طول
حکومت سیاه خودانسان و انسانیت راه ر
روزه در پیشگاه جعل و تاریک اندیشه
قریانی می کنند به تعقیب راند.

* * *

به انگیزه بزرگداشت سالروز انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۱ دسامبر)

۱) "حقوق بشر" و "حقوق بشر اسلامی"

از مهم عمل و حسینانه سنتسار زنان و
تجاور قبل از اعدام به دختران زنانی از
موهاب "حقوق بشر اسلامی"^{۱۶} است،
ماده ۱۸

۲) هر انسانی از آزادی اندیشه،
و جدان و مذهب برخوردار است،
آزاد است مذهب و یا اعتقاد اش را
تفیر دهد و نیز آزاد است مذهب
و یا اعتقادش را به تنفس و یا
تصویر جمعی در میان علوم و یا
در مجتمع خصوصی از طریق
آموزش، کاربست، عبادت و یا

کس "با رژیم" بودن مشروط است هر
است، اذاء طردو و مکوح به نایبودی است
و همه تلاش دستگاه سرکوب رژیم در
جستجوی یافتن کسانی بکار می ورد که
از "بارزیم" بودن امتناع دارند آنها را
به صله کشند و یا از "فلالت" بیرون
آرند، زیرا به زعم ملایان همه آدم ها
معصیت کارند و تنها با توبه و ادعان به
مزدوری رژیم از حقوق بشر اسلامی^{۱۷}
بعره مندوختند.

۳) هر انسانی از حق بیان آزاد
نظر برخوردار است. این حق
۱۹ ماده
۱۶ ماده
۱۵ ماده
۱۴ ماده

۲) مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر

از آنجاکه به رسمیت شناختن شان مهم اعضا خانواده بشری و حقوق برابر و ذاتی
آنها تشکیل دهنده بین آزادی، مطالع و صلح در جهان است،
از آنجاکه بی اخترامی به حقوق بشر و خدش دار کردن آن به وحشیگری هائی منجر
شده که و جدان انسانی را همیغا رجیمه دار ساخته است و از آنجاکه برپاسخن جهانی
که در آن انسانها، بی مراس و اضطراب بوده و از آزادی بیان و قیاده برخوردار
باشد، بعنوان هدف هایی تلاش بشیری شناخته شده است،
از آنجاکه باسیستی حقوق بشری شناخته شده است،
باشند، مطالعه ستم و استبداد یعنوان اخیرین راه چار بخیزش رو آورده،
از آنجاکه دولتی های ملی متوجه در منشور ملی بر اعتماد خود به حقوق اساسی بشر، به
شان و ارزش هر فرد انسان و برابر حقوقی زن و مرد، بار دیگر تاکید کرده و مصمم شده
اند توان باسیستین آز دیگاه، به پیشترن از اینها، به رایزنی و شرایط زندگی بضرر دست یابند،

از آنجاکه دولتی های شناخته شده حقوق شهادت در مکاری با سازمان ملل متحده حقوق
بشر و کاریکاتور شنای احتراز نهاده و انتها تحقیق بخشند و از آنجاکه برای اجرای کامل
این وظیفه، داشتن درک مترکی از این حقوق و آزادیها میمیت شایانی دارد،
مجموع عمومی اعلامیه جهانی در مورد حقوق بشر را بعنوان آرمان مشترک
لazم الحصول مهم خلقها و ملتها انتشار داد تا ممه افراد و ممه از گانهای جامعه همواره
آزاد در دنظر داشته باشند، بکوشند از طریق آموزش و تربیت احترام به این حقوق و
آزادیها ترویج کرده و از طریق اقدامات فرازینده ای در سطوح ملی و بین المللی،
رعایت و تحفظ عمومی و عملی آنها در میان ممه انسانها از جانب ممه دولتی های عضو
و در ممه مناطق تحت حاکمیت این دولتی های عضو

شامل گرویدن بی دندنه به مر
مقیده و دریافت و انتشار اطلاعات
و ایده ها از طریق وسایل و
امکانات مفهوم بدون ملاحظه
مرز هاست^{۱۸}

۱) در "حقوق بشر اسلامی"^{۱۹} اعتمادات
از افراد بی پروا و خشن گزینان در
نظر گرفته با پیرورش سیستان گاه و بیگانه
مردم دستخوش تجاوز است، سانسور در
هر صه ملم و فرنگ و مطبوعات مجاز
است، سانسور چیان و مقتضیان
اسلامی قوه تشخیص و قدرت را منحصر به
محدود نمی شود، محروم کردن آن از
بسیاری از مشاهده ای اینها رسانی که پسند ذاته
شان نباشد، محروم می کنند،

شامل گرویدن بی دندنه به مر
مقیده و دریافت و انتشار اطلاعات
و ایده ها از طریق وسایل و
امکانات مفهوم بدون ملاحظه
مرز هاست^{۱۸}

۲) مادر و کودک باید از جهایت
ویژه ای برخوردار باشند^{۲۰}

۳) امیتیارات و حمایت های ویژه ای^{۲۱} را
که "حقوق بشر اسلامی"^{۲۲} اعترافات
نظر گرفته با پیرورش سیستان گاه و بیگانه
او باشند و تلاش های رژیم به زنان در معاشر
و خبابخا و میادین به بیانه عدم رعایت
موازین اسلامی^{۲۳} این تمدن^{۲۴} می شود
بی حرمتی به زنان فقط به این مرص
محروم کردن آن از
بسیاری از مشاهده ای اینها رسانی که پسند ذاته
شان نباشد، محروم می کنند،

۴) ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق
بشر

۵) اعلامیه جهانی حقوق بشر که حاصل
تلاش جامعه بشری برای احرار و تابعین
شرايط انسانی و متمدنانه برای زندگی
انسانی است، حاوی تاکیدات تهدید آوری
است برای دولتها و جوامع نقض آن نیز
طبعاً مواجه و بازخواست را الزام اور
می کند، ملی فرم اینکه همه کشورها از این
پذیرفته اند ولی در هیچ گوش جهان این
منشور، تمام و کمال مورد رعایت و اجرا
قرار نگرفته است، بسیاری از دولتها خود
را ملزم به رعایت آن می دانند و در توافق
خود نیز متفاوتین را مستوجب جهانی
دانسته اند ولی برخی دولت های دیگر
بطور روزه و آشکار و نهان به نقض
خشن آن مشغولند، که چه تعداد این
کشورها زیاد است و همه رژیم های
توپایلر راشامل می شود، اما رژیم
جمهوری اسلامی همواره در صدر لیست
هزبور جای دارد البته با این تفاوت که
رژیم جمهوری اسلامی حتی آشکار اعلام
می کند که منشور جهانی حقوق بشر مورد
پذیرش نیز نیست.

۶) ماده ۱۲ سال آغاز است که بدینه ترین
حقوق انسانی مردم ایران بوسیله رژیم
نقایبه خشن ترین و چه نقض می شود.
۷) رژیم جمهوری اسلامی در این
سالیان سیاه و خوبیار بی و قدر سیاست
ضد انسانی خود را اعلیه هر کس و هر جزء و
سازمانی که روی موافق شناخت نداده، به
اجرای آزاد است و در این راه خود را در مقابل
هیچ نداده ملی و بین المللی مسئول و
پاسخگو ندانسته است.
۸) رژیم جمهوری اسلامی بادهن کجی
آشکار به میغای های شناخته شده حقوق
انسانی در سراسر جهان و با انگیزه مقابله با
اعلامیه جهانی حقوق بشر و یافتن توجیه
در هدم پای بندی به مفاد آن، مسئله حقوق
بشر اسلامی^{۲۵} بیان کشیده که گویا دست
اندر کار تدوین آن است و خود را بخطاط
حقوقی، ملزم به رعایت آن می داند، در
این برابه مقامات ممتازه بیان کشیده
تبلیغات دامنه داری مبنی بر برتری حقوق
بشر اسلامی^{۲۶} بر مناد اعلامیه "حقوق بشر
دست زند و در جهان بستر اخیر
کالیندوبل و در اکتش به گزارشی نیز بر
تفاوت های این دو و عدم الزام خود به
رعایت مفاد اعلامیه تاکید و رزیدنولی با
همه این هادریکسان اخیر رژیم جمهوری
اسلامی زیر شمار اتفاق شعومی جهانی و
ایران و البته بایر خی انگیزه های دیگر
جبورگردید با ماسنات هیئت نایندگی
کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد
برای برسی چکونگی رعایت حقوق بشر
در ایران موافق کند.
۹) مقابله ای گذرا بین مفاد اعلامیه جهانی
حقوق بشر و عملکرد رژیم، ماهیت
"حقوق بشر" بشر اسلامی^{۲۷} داران
خیمنی را اشکانتم می کند:
۱۰) ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق
بشر

۱۱) هر انسانی حق زندگی،

۱۲) آزادی و امنیت شخصی دارد^{۲۸}

بهینه ایندومانعه الجمجم اند

۱۲) مطالبه جامعه است فعلیت یابد و در دراز مدت فرهنگ متاثر و منبعث از آن زایل گردد
ضرور است که همه تلاش ها در راه تأمین دموکراسی و آزادی تفایل احزاب و نیروهای
سیاسی متکرز شود، تامیدان بازتر و مرصه متتنوع تری برای هر صه همه نقطه نظرات و
ابتکارات در شرایط ارادی فعالیت احزاب و نیروهای سیاسی- از ترقی تا ارجاع- فراهم
گردد، در این صورت قدرت و تاثیر نیروی مترقب و دمکرات و آزادیخواه خواهد توانست
سبب بر چه بیشتر کثار زدن سلطه ارجاع از کشور گردد، سازماندهی و سبیج نیرو و به این
اعتناء مقتی پیدا می کند، آیا جز این، راه را برای زادی از شایعه سرنگون باد و تا بقابل تحقق
ارجاع و استبدادی دیگر نخواهد گشود؟

۱۳) سیاست انتخابات آزاد که راه و روش مسائلت آمیز مبارزه و رفع استبداد و تامین
دیگر انسی، راه هدف قرار می دهد، به این انتبار که رژیم ممچنان شیوه هر سرکوبی و اعمال
خشونت دارد، معاف نمی دارد ولی عدم توجه به این ویژگیها از درست دست مادر اتخاذ
تاکتیک ها و تغییر نسبات و روابط در خور فیما بین می کاهد و تامین هدف را داشتار
حتی تغیر ممکن می سازد.
۱۴) رفع بختک شوم ارجاع از زندگی هادی مردم با شعاع سرنگون باد و تا بقابل تحقق
نیست درست بر مکس، برای اینکه زمان عمل این بختک به دراز اکتشدو رفع آن که نیاز و

آنچه از اکتیو می‌ماند

سیاوش

مفتاد و سومن سالگرد انقلاب اکتبر، امسال تنها در
مسکو با ایجاد معمول مفت دمه گذشته برگزار شد. نه
برلین، نه پرای و نه سایر شهرهای اروپای شرقی که در
طول چهل سال، همزمان با مسکو اکتبر را جشن
می‌گرفتند، این بار شاهد مراسمی بودند حتی در مسکو،
مخالفان اکتبر به روز مراسم به خیابانها آمدند. کلیسا
مراسم مخصوص به داد و پاد بیانیان استالینیسم داشت.
نک نظر، اکتبر، چه است بد سی، گار یا جهش شلک کنده در

میدان سرخ دستگیر کردند.
در ساعتی اینده، مخلو نیست مسکو نیز شاد
هر انسانی در بزرگ‌دشت اقلاق اکبر باشد. شمار آنچه که
خود را وارث اکبر می‌دانند، رو به کاهش است. هفتاد سال
است که ادامه راه اکبر، پیریروی از الکوی شوروی را
تدابی می‌کند و این الکو، شکست خورده است.

شستت اللئو شوروی، ده شاید مدینا پیش ورم
خورده باشد، در این یکی دو سال ایران بر مهد هیان شد.
خربی که در سال ۱۹۱۷ در روسیه به قدرت رسید، پس از
چند سال جنگ داخلی، سال‌گاهی سختی که حتی
شناختار، دوات جدید نیز شد - شدن قطعی آن اندی

دست به کار ساختن نظامی شدک می خواست رتیب جدی سرمایه داری اروپا و آمریکای شمالی در دوره "جمهوریستی مسالمت آمیز" باشد. هر چند لین و پیر و اونش از آغاز عرصه اصلی رقابت را رقبات اقتصادی دولت نظام می داشتند، اما تجربه حمله ناکامیم، پس از چند رقابت و رویارویی تسلیحاتی و نظامی رانیز بر رهه های خالیت سیاست گزاران و گردانندگان دولت شوروی افزوده و اکنون، الگوی شوروی در دست انتسابی به مهمندانی هدف اعلام شده اند، یعنی رقابت اقتصادی در سرمایه داری شکست خود است. شکست قطعی در این رقابت، که

الثوى شوروى. هيج کس را يارای انکار این واقعیت نیست.

مروز پیش از بیانیه مذکورین میتوانستند به این اتفاق اشاره و حقوق شرخ نمودند و از این که هلت اصلی شکست و شکستگی شوروی را باید در این بیان اعضاً تایید چستجو کرد. بی ائمه خواسته باشیم از اهمیت تاریخی شناخت جدید مود از نقش تعبین کنند دکتر اسی و بازیابی ارزش اندیشه اسلامی در اخلاق اسلام خود را بگاییم، شاید لازم

باشد یک بار دیگر به تاریخ و به تجربیات معاصر پنگریم و بینیم در کجا دنیا نظام‌های دیکتاتوری "موفق" در عرصه اقتصاد را بعداً باز خواست کرده‌اند و به نتد جدی

سیاستهای اندیشه اند. رئیس‌جمهور مهدوی را بزرگ‌ترین چوپانی که بر تاریخ ایران داشته باشد خواند و می‌گویند و اینکه در چهل سال گذشته، حکام کره چونوبی در نقض حقوق بشر و پایام‌نگاری کردند آزادی دست کمی از میان اینها خودنمایانه از آن فرار و اموش می‌شود. قطعاً اگر قرار باشد ترتیب داد که همه مانند آلمان و جدت خود را بازیابید، این نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنوب کشور خواهد بود که مجرور نشان خود را بر این وحدت خواهد دارد.

همین تجربه شوروی را به یاد آوریم: اگر تعاجم فاشیسم، سب شتابان صفتی شدن شود، اقطع

نمی کرد، و اگر پس از جنگ، این کشور به مارپیچ مسابقه تسليحاتی وارد نمی شد، و اگر المکوی شوروی به اروپای شرقی تحمیل نمی شده، امرور ارزیابی از «استالینیسم»

سی کردیم، «تاریخ مقوله‌ای جدا از اخلاقیات و باورها نظام ارزشی ماست. تاریخ، فراموش کار است.»^{۱۰} اگر پیروز شویم کسی نخواهد پرسید چگونه^{۱۱} ماکیاولیسم در این جمله موج می‌زند، اما این مانع از آن نیست که کسانی که از چنین شعاری پیروی می‌کنند، همواره ناموفق باشند. مسیر سرمایه‌داری معاصر را تعیش و خون، آلووده کرده است. اما امروز کمتر کسی می‌پرسد که چگونه بد اینجا رسیدید. درست است که استالین و برقان امروز به خاطر «نقض حقوق بشر»^{۱۲} به محاکمه تاریخی

کشیده‌اند، اما مگر سرنوشت همه دیکتاتورها قمین بوده است؟ مردمی که طومان نظام‌های استالینی در شرق اروپا را در هم پیچیدند، فریاده‌زند و زاری آما آماج

اصلی شان، ویترین های پر و اتو میلیاری شیک رشی بین بود.
نه، در اینجا به هیچ وجه قصد تحیر و خوار شمردن این
خواستهای میان نیست. غرض، بیان این واقعیت است که
گنجوی شور وی، شکست اصلی را در ره صه انتقاد متحمل
شد. اگر اخراج حاکم در اروپا شر حقی، من تو اوانستند به
موقع دست به اصلاحات اقتصادی بزنند و با پس ازمه محکمی
از بازار اشباح شده و کالاهای مصرفی، خود را به راه مردم
سی گذاشتند، شاید کسی به یاد تربیانیان جایی استالینی
نمی افتد. باز این تاکید ضرورت دارد که بیان این
واقعیت، به متنی حقانیت قال شدن برای این
نژادهای کاری تهدی، نیست.

الگوی شوروی شکست خورده است، رزیرانتوانسته است به نیازهای مردم اروپا پاسخ دهد. باید تاکید کرد نیازهای مردم اروپا، آن هم اروپای قرن بیستم، با ساخته تاریخی معین و با همچواری پیشنهادهای کشورهای سرمایه‌داری، با شرایطی عصر ارتباطات، که زرق و برق و تریتین های پرو و چراغ های نئون، روزی اموج تلویزیون و در ذهن هر مسکن که سفراحت می کند، میماند و اثر می کنند. نیاز مردم را در چنین محضری، مجموعه شرایط زمانه تعیین می کند. در پاسخگویی به این نیازها در شرایط زمانی و مکانی مشخص اروپای معاصر، الگوی شوروی ناکام ماند.

سو سیالیس مطبق الگوی شوروی، نظامی بود که بدوان تردید می‌توانست با محابیر فای نیمه اول قرن بیست و اوپرایا، نیازهای ابتدائی مهم انسانها خود را آشامیدن، مسکن، آموزش جسمی و دادشت را تأمین کند. این نظام، اگر انحراف انجیلی باشد نسباد و روشه خواری و اختلال را مستثنی کنیم، به مهم «حدائق یکسان» را می‌داد و از مهم «حدائق یکسان» را می‌خواست. و این «حدائق یکسان» دوم، یعنی سقتم کاری که جامعه از فردی طلبید، به میان انداره نازل بود که شور و شوق اولیه، جای خود را به خودخواهی و فردگیری ای می‌داد.

”حدائق یکسان“ اول، ربط مستقیمی به ”حدائق یکسان“ دوم نداشت. سخت کوشی پادشاهی نداشت. مالکیت دولتی بی صاحب بود زیرا گامه مردم تنور دلیلی نمی دیدند که ممانعت چونه را منع خواهد کردند. مکتوکسی غار بر بود بدوں آنکه تاثیر مستقیم بعثت و بیشتر کار کردن را در زندگی خود بینند، بیشتر و بعثت کار کند. و از احتمال نمی توان بیشتر و بعثت از آنچه تولید می شود، هصر ف کرد، کمیت و کیفیت کالاهای آن بود که بود.

شاید سرمایه‌داری که اکنون جای سوپریلیسیم به سینک شور و رادر شرق اروپا یا گیرد، در مجموع تواند برای مردم کشورهای اروپایی شرق رفاه و مصرف بیشتر ایجاد نماید.

آسایش بیشتر، ممکن است، فقط باید کمی کار کرد و کمی هم خوش شانس بود و مطلع تاریخ این است که در بسیاری از موارد، مردم به همین توهمند نیز راضی اند و راضی اند که

بداند از موچ رخت، سیده هار داده بودند
در سوسیالیسم، حتی سوسیالیسم طبق المکو
شور وی، «همبستگی» از رشی بالاتر از «حرکت فرد و
برکت خدا» دارد، صر فنطر از آن که کدام سمت کمیری،
همبستگی یا «ازادی» تعاملیت فرد برای منانع خودش، با
نظام ارزشی ما خواهایی دارد، باید این واقعیت را
پذیرفت که در شرایط زمانی و مکانی ویژه ای که به
شکست سوسیالیسم طبق المکو شور وی انجامید، مردم
کمابیش اکماهانه سمت گیری دادند و برگزیدند. شکست
الله شه، نه همه ملت از این اصرار، که دقتان

بابت وفاداری به سمت گیری نخست، افزایش در این وفاداری و گرفتن نظام ارزشی حزب حاکم به جای امنی ها و آرزوهای عامه مردم، روی داد. اگر سوسیالیسم واقعی موجود با تغییر حقوق بشر، با روش خواری و اخلاص و تپیغیه هم مهره نبود، به لیل اینکه انگیزه ارادی برای حکمت فرد ایجاد نمی کرد، باز هم

شکست می خورد . پس دیگر چه دلیلی می ماند که به خاطر "سو سیالیسم" مبارزه نمینم ؟ از انقلاب اکبر، با شکست مدل سیاسی جتباها و اقتصادی معینی که این انقلاب ایجاد کرد، چه زیرناقصی می ماند ؟

انقلاب اکبر، تفاهم ایجاد ریک نظام سیاسی و اجتماعی معین که اینک حیات آن به پایان می رسد، نبود . با این انقلاب، انشعاب بزرگ در جنبش کارگری تقطیعیت یافت و این جنبش، به دو جریان شده کموئیسم و سو سیال

مکاری اسی تقسیم شد . سویاں دمکر اسی میچگاہ خود را
وارث و ادامہ دنده اراحت اکتیر ندانسته است . چرا ؟
انقلاب اکتیر بدون وقنه به "سوسیالیسم و انتقام
وجود" منتهی شد . حکومت شوروی، حزب کمونیست
ین کشور و سایر کشورها، خود را پر چمدان انقلاب اکتیر
معترضی کردند . الگوی معین ارائه شده از سوی این
حزب، حکم شمره طبیعی و منطقی اکتیر را پیدا کرد .
ین، تفاوت انقلاب اکتیر و انقلاب فرانسه است . انقلاب
فرانسه نیز نخست بدیگانتوری ژاکوبین ها، سپس به
میراث اوریتا نایبلون و بعداً حتی به احیای پادشاهی
نجامید . اما این انقلاب، به عنوان نخستین تلاش جمیعتی
باشد . که این دلایل از این دلایل است .

نهاده شده بیکاری بزرگ و مبتذل دین پیوچ سبک داد و سویت
شرا ف، به عنوان نخستین جنبش پیر و زند در سراسر یک
نشور برای تحقیق آزادی، برابری و بارداری، در تاریخ باقی
ماند. امروز طیف گسترده‌ای از نیروهای سیاسی، همه
نهاده که دمکراتی و به عنوان مکانیزم ایجاد تعادل
بین منانع گروههای مختلف جامعه می‌پذیرند، خود را
وقا دار به آرمانهای انقلاب فرانسه می‌دانند و این انقلاب را
کسر امی می‌دارند. در پخش بزرگی از جفا، آرمانهای
صلی انقلاب فرانسه تحقق یافته است و آنچه که نهضت چنین
بیست، دیر باز و دشمن خواهد شد.

اکر انقلاب فرانسه همچنین انقلاب بربت پیرای ارادی بود، انقلاب اکبر رامیتوان تقطه اوج بزرگترین تلاش جمیعی تاریخ بشر برای حدالت اجتماعی که داشت، تلاشی که هرگز با دریغ سپیار می بینیم به هدایت خود را از سست نگذاریم تاریخ نویسان بورژوازی، روزیت خود را از نقلاب اکبر به ما تحمیل کنند. آنها این انقلاب را تا حد «کوکوتای بشویک ها» تنزل می دهند. باید هم چنین کنند. برای انتقامی که سر یاده داری، سخن آخر تاریخ تکامل جوامع شری می است، قیام برای نشاندن چیزی که جای ن، چیزی که جای نیست. اما واقعیت تاریخی بنی اسرائیل آن را از که انقلاب ۱۹۱۷ و به ویژه پیکار سترگ سالمندان میراث ایران در روی سی، اقدام محدود و پرشقت مال استمدیده میراث ایرانی تزاری برای تحقیق یک اوتوبوس اجتماعی بود. گز فیر از این بود، حکومت بشویک گاهی توانت در

زیرا بر شورش طبیعه سر نکون شده و پورش مهم مدتر های
بزرگ آن زمان دنیا، ایستادگی کند. لتنین و بشویک ها
نمودنسته بودند قلب و مغز های مردم معاصر خود را
شناخته کنند، و از این هم پیوندی رویاهای بزرگ با شورو
شناختی مردم، چه حمامه های توپیده شد! حتی بر قرقاز
یکتاتوری استالینی هم نتوانست اتش این شور و شوق را
خاموش کند. فاشیسم، در تصادم با این اتش بیان کن،
باشد.

بلاصله پس از انقلاب اکتبر، مسکو تبله همه روشنگران پیشرو، عمرمندان و نویسنده‌گان بزرگ، و زمامه‌داران مترقب، خصوصیت های صلح دوست، داشتماندن متعدد، و بطور خلاصه، گل های رسیدگانه عظیم آغاز شده با یور و هنر، سایه استایلیسم بر جنبش عظیم کیفر، نیافتداده بود.

امروز، هفتاد سال حکومت استالین ها و پریانفه،
نظامی اکتیر را نیازمند یک رئنسانس کرد است. همانگونه
که انقلاب فرانسه را به لشکرکشی های ناپلئون حکم
نمی زندن، انقلاب اکتیر را نیز تبادل با معیار استبداد و
نوسخه طلبه ایستالینی سنجید. این «القبا، خیزش سترگ
را وی تحقق یافتیدگر به روز سرمهایه داری پود، خیزش
ده تاکنون نافرجام مانده است. تردیدی نیست که
سوسیال دمکراتی، در «سوسیالیزه» کردن حیات
سیاسی و اجتماعی کشورهای سرمهایه داری، به
استواردهای بزرگ رسیده است. و باز تردیدی نیست که
لکووهای سنتی انقلاب - اعمال تهر انقلابی، در هم شکستن
باشین دولتی، جنگ داخلی - در جهان امروز بظور
از ایندهای ای ملت و جودی و کارآیی خود را از دست
گرفته اند. اما سرمهایه داری، هنوز در جهان حاکم است،
ظاهرا که بر مالکیت خصوصی ایجاد تولید و استثمار انسان
ز انسان استوار است. بی مختاری و استیمار، در اینجا و آنجا
شکال و رنگ های مختلف به خود می گیرند.

شکاف اجتماعی، هم از درون کشورها می‌گذرد و هم در متداول میز "شمال" و "جنوبه" جهان. جهانی که همکاران ناعادلانه است و ناعادلانه تر هم می‌شود. اینکه در چشم به جهان بگشایی، سر نوشت تو را تا پایان عمر، تعیین می‌کند. اغذیا پیوسته فتنی تر و تندگستان بی و قده تندگست تر می‌شوند. بر ستم عظیمه که بخشی از بشربیت ر بخش دیگر روا می‌دارد، باید ستم بزرگی را که سل حاضر در حق نسلهای آلتی هر تکبیک می‌شود، افزود؛ پیغمه در صفحه ۱۵

ماه شماره تحول در طول یک سال

از "حزب کمونیست ایتالیا" به "حزب دمکراتیک چپ" منازعات کمونیست‌های ایتالیا، در چهره حوادث

برگرفته و خلاصه شده از:
ریناشیتا ارگان تئوریک ج.ك.
۹۰ نوامبر ۱۹۷۰

بطور رسمی برگزار می‌شود روز ۲۱ دسامبر پلاتفرم‌های

تنظيم شده برای ارائه کنترله تسیلیم ک.م. می‌شوند.

سه پلاتفرم ارایه شده با عنوانی مشخص به قرار

زیر ند: پلاتفرم اکثریت: "برای ایجاد یک ساختار سیاسی نوین،

به قاعده سیاست: "برای ایجاد یک ساختار سیاسی نوین،

پلاتفرم اقلیت: "برای بازسازی واقعی ج.م.ک.ا. و

بازسازی سیاست" "برای ایجاد یک ساختار سیاسی نوین،

پلاتفرم سوم: "برای دمکراسی سوسیالیستی در

اروپا".

زنان حزب بطور مستقل پلاتفرم را ارایه می‌دهند که

۱۶ تن از زنان ک.م. پای آن را امضا می‌کنند که بعداً به

پلاتفرم چهارم مشهور شد و نووان آن "شرط‌آزادی" در

دستان خدمان نهفته است بود.

زنانه و فوپر، ۱۵٪ مضمون مباحث و پلاتفرم‌ها در

شعبات محلی و منطقه‌ای مورد بحث قرار گیرد. ک.م.

تدابیر جدی تدارک می‌بینند تا از سوی فدرالیسیون های

مناطق، پلاتفرم‌های متناظر دیگری ارائه نشود.

آنیتا ارگان ک.م.ک.زی ج.م.ک.ا. این که اطلاعات یک جانبه و

به نفع اکثریت را منتشر می‌سازد، متمم می‌شود بحث قرار گیرد. ک.م.

ارگان تئوریک حزب هم، شاید بین دلیل که سر دیر آن

در جناح اقلیت قرار دارد متمم می‌گردد که در تبلیغ فاز

موسسان تشریک سیاسی نهی کنند، هم‌نی از اضای

تخریبیه شریده، بدین دلیل که آن را ضد تحول می‌دانند،

استعفای خودر اعلام می‌کنند.

اکتو در اوایل فوریه ۱۹۷۰ گوید: "پیش‌بینی ما این بود

که اگر به حزب در آنیم، آن بخش از چپ که ساکن

ویندو، به حزب در خواهد آمد این طور هم شد."

حزب در تحرک کامل است. در پایان روزهای فوریه،

تاریخ دقیق کنترله مشخص شد. درین حال رای‌های

کمیته‌های پایه، شبیت محلی و منطقه‌ای در مردم

پلاتفرم‌ها اعلام گردید. ۸۵٪/۸۵٪ بنتجای ییشنداد اکتو،

۸۵٪/۴۵٪ بدل پلاتفرم دوم و ۴۵٪/۴۵٪ بدل پلاتفرم سوم رای

دادند. در جلسه‌های پیش‌کننده، حدود سی درصد از

اعضای حزب شرکت کردند.

مارس ۹۵ باز هفت‌تادهم ماه مارس در شهر بلوینا، ۱۹

-امین کنکره ایتالیا، با اطلاع عمومی "نافذ موسسان" "برای

فرماسیون نوین سیاسی، بهمراه تایید‌پذیر جناح "نه"

در درون حزب را، بتضویب می‌رساند. این دو جناح

همده در نکات اصلی و مهمی چون هویت نیروی سیاسی ای

که بایستی شکل یکی‌گرد و بازسازی شود، به توافق

نمی‌رسند. در عین حال با ممه مین مذکولات نوع مشخصی

از دلایل تکی حقیقی و حقوقی بین دو جزویان، سازماندهی

گردید.

نقط اینتر او، رهبر جناح "نه" باکف زدنها طولانی

مور استقبال قرار گرفت و در مجمع، کنکره‌ای پراز

هیجانات و ایاز احساسات همیق بود.

اویل ۹۵: برای ج.م.ک.ا. پایار آسانی آغاز شد از

پرسه موسسان که دبیر اول پیش‌نخاد آن را مطرح ساخته

بود، اولین آزمون های خود را میان و آشکار می‌سازد.

مراحل تاریخی و امتحانات دشواری در مقابل حزب قرار

می‌گیرند: مبارزات انتخاباتی برای ماه مه، رفاند،

روابط با دیگر نیروهای سیاسی و تسویه مسابقات اعضا

ج.م.ک.ا. پس از تعیین اعضا رهبری به استقبال مبارزات

انتخاباتی برای شمرداری ها و انتخاباتی اداری منطقه‌ای -

استانی می‌رود. مباحثات و نتایج نشست ک.م. در ۲۸

مارس از عناصر تو سرشارند. ارگان رهبری تعیین و هیئت

دبیران انتخاب می‌شوند. ولی هیئت دبیران تنها ۶۵

در صد آرای ک.م. راه خود اختصاص می‌دهد و این در واقع

بدین معناست که ۳۲ تن از اعضای رهبری موادر "اری"

ترکیب اعضا دبیر خانه را امور داییده اند.

در همین شست ک.م. سمت بهمنگ کنند

ارگان های رهبری به ماسمو داله ماسپر ده می‌شود.

بدین صورت یکی از مشکل ترین مبارزات انتخاباتی

ج.م.ک.ا. اتفاق می‌شود. حزب هنوز آن حزب نوین نیست که

اکثریت طلب می‌کند ولی در مجموع تاییم نوین را به

وسيعی از سوی توده‌های حزبی دریافت می‌کنند. اعضا

حزب، فعالیت و کادرهای ذرا سیلیم ها با عنوانی

نوشته‌های رمیران حزب چه از جناح موافق و چه از سوی

مخالف، بهمایان شده و خطوط‌ تقابی تمايز در دیدگاه‌های

رهبری را بیشتر درک می‌کنند. ناپولی توان، همراه دیگر

بیوک دکر ایان رسپا با دیر اول اعلام می‌بینند.

دبیر اول قدرا سیلیم جوانان کمونیست نیز موافق اکتو است.

ولی در درون ذرا سیلیم جوانان سیلیم مخالفانی ایان

می‌گردد. سازمان زنان نیز دارد می‌توان

می‌شود لی مسئول آن تورکوبانکو ایکتو دهیم:

روز ۲۵ نوامبر، اجلس کمیته مركزی ۳۳ روزه از

می‌کند. اکتو می‌گوید: "تجویه کنید! خواهی داشت.

شیر منظرهای در جلسه پاریزی ایان را باید در آید، اقلیت و

اکثریت حزب پروژه‌های متفاوت را هرمه کردند.

بیشای زیادی به مضمونی در حاشیه صورت گرفت با توجه به آن

"چیز" که امروز بصورت شخص وجود دارد می‌توان

بیان واقعی را ایاده کرد. این امر را با بررسی تاریخی

روزی بروز از توجه که صورت گرفت انجام می‌دهیم:

روز ۲۹ نوامبر، اجلس کمیته مركزی ۳۴ روزه از

می‌کند. اکتو در جلسه پاریزی در جلسه پاریزی شرکت

کنندگان در چند دوم جوانان خواهی داشت.

در جلسه پاریزی شرکت گردید. این کمیته می‌خواهد

بیان و این موضع را باید در جلسه پاریزی پیش‌بینی

در پاریزی می‌خواهد که باید بازدید باشید، نایابی

مخفوظه کارهای بخود را بخواهد که بازدید باشید، نایابی

بازدید باشید، نایابی باشید، نایابی باشید، نایابی

در مورد نام حزب و فقره سوال می‌کنند.

حمل جلوی ایان را نکاه می‌دانند. این کمیته می‌خواهد

مقاآت نشان داده ایم به جلوگام بزرگ داریم.

وتشی روزه نهاده ایان را بخواهد که ایان را بخواهد

در مورد نام حزب و فقره سوال می‌کند.

در مورد نام حزب و فقره سوال می‌کند

گراییده و تمدیداتی را که در این رابطه طی این سالها
کار گرفته، بی اثر نانته است، خروج نیروهای شوروی از
افغانستان امکان پیروزی را برای نیروهای "مجامد"^{۲۰}
افغانی فرام نکرد و از طرفی دیگر کمک های نظامی و
اقتصادی فراوانی که اتحادشوری به دولت افغانستان
می کند توانسته به پیروزی حکومت افغانستان و پیمان
جنگ های داخلی در این کشور محروم و ستمیده منجر
شود.

توافق نهایی آمریکا و شوروی بر سر حل مسالمت آمیز و
سیاسی، قوت پیشتری به این شیوه حل موقل افغانستان
می دهد که حاصل آن پیمان کیری جنگ برادر کشی و
بیضاید ۱۱ ساله و تامین آرامش در کشور افغانستان
خواهد بود.

پذیرش راه حل صلح آمیز مسائل افغانستان از سوی
حکومت که تحت عنوان "بیشی مصالحه می"^{۲۱} از مدتی
قبل اعلام شده است، مواضع اخیر نیروهای اپوزیسیون و
چشم انداز های امیدبخشی که در این زمینه پیدا مده، نه
 فقط محصول تحول در تقاضا هناسبات جهانی، و منطقه ای
که حاصل می از نیروهای مترقبی و ملی افغان و رشد
واقع بینی سیاسی در صفو طرفین در گیری نیز هست.
برای اینکه امیدبخشی قدرتی باشد، هنوز راه دو از دو پیش است.
تداوم پای بندی حکومت افغانستان بر مواضع اعلام شده و
ایستادگی نیروهای واقع بینی بین اپوزیسیون در مقابل
نشانه های مخالف افرادی در خدمت پیامون این راه
طلولانی و تعلمه پیمان گذاشت بر جنگ ویر اندر داخلی قرار
دارد.

و بی سرو صدا و نیز انفعال جمعی در حال تولد است. اقلیت
خواهان نشست فوق العاده رهبری برای بررسی اوضاع
است.

سپتامبر ۹۵: روز ۱۲ سپتامبر، جان کارلو پایاتا ،
در شهر رم چشم از جهان فروبست. روز ۱۴ سپتامبر،
پایتی، پاریزیان دوران مقاومت، هضور هبری حزب،
پارلمانی ریاست سالهای سال رادر حالی پیش از سپردن که
وی چند روز قبل از مرگش اعلام کردۀ بود: "در این
روزها، بیشتر از سالهای زندان رنج برده ام".^{۲۲}

دریک چنین شرایط آنکه از بیم و امیدی، حزب
کمونیست ایتالیا، جشنواره ملی اوینیتا را افتتاح کرد که
از لحظه شرکت توده ها، از نظر سازماندهی و از جمیت
گیستردگی دامنه بخت ها خارق العاده ارزیابی شد. سیاری
از هر چهارین کومنیست ها در این جشن، سخنرانی کردند و
مواظع شان را به گوش اعضاء و دیگران رساندند. اینگرav
در سخنرانی اش به توده از هرگش اطمینان داد که خط
اشتعاب وجود ندارد و دیراول نیز در این رابطه
تضمين های جدی داد.

اکتبر ۹۵: در جلسه ۱۵ اکتبر، دیراول، نام و نشان
جدید را پیشنهادی کرد. حزب جدید بایستی، حزب
دموکراتیک چپ نام پیشنهادی، آزم هم در واقع در ختنی است
که ریشه در سیمی دلیمی داد و گشیده. چمبه، "نه"^{۲۳}
برای تاطبع با این امتر، پیشتر انتقادی بر خود می کند.
اینگرav دیراول را متهم به "تحریکات برای انشعاب"^{۲۴}
می کند. و کوسوتا تأکید می کند: "نویه جدایی در هر صه
مویت، بصورت جدی کمونیست های ایتالیا را از هم جدا
می سازد".

باسولینی در این مرحله خودش را از جمیع اکثربت جدا
می سازد و اعلام می دارد که "دیدگاه توین طبقاتی"^{۲۵}
در پیشنهاد دیراول نیز ندارد. پیشنهاد می کند که
پس از این جریان دیراول پیشنهاد می کند که
رفرندوم قومی در سطح ملی مبنظر تغییر نام، آزم
و مضمون حزب نوین، به اجراء در اید چرا
که "رسماً های حاکم نیست، پایاستی مه اعطای حزب در این
الیگارشی حاکم نیست، پیشنهادی که بجا ایجاد
آرامش، نظایر پالمیر را فرازیش داد.

در ۳۲ اکتبر، کنفرانس بر تامه های حزب در رم گشایش
می یابد. باسولینی پلاتر فرم جداینهای را از ایله میدهد.
سمت اصلی بر تامه وی نکات در صفو اکثریت حزب بود
وی نیز انتصاف مهی از جناح "نه"^{۲۶} به وی پیوسته بود. نکته
که فتلا در مرکز توجه توده های جزبی و انتقامی بود؟ تا چه
گرفته است نهوز بصورت موظم بیرون نیامده اما جسته
و گریخته، در میان سخنرانی های امضا کنندگان بیانیه وی
در کنفرانس بر تامه ای رم، می توان گفت که قصد اصلی
باسولینی، همانرا برضت روی برنامه و مضمون تضاده های میان
"نه" و "آری" ^{۲۷} است.

مترجم: محمود سایتالیا

معقولانه مشکل افغانستان ادامه می دهد، خبرگزاریها
احتمال ملاقات و مذکوره دکتر نجیب الله رئیس جمهور با
محمد ظاهر پادشاه سابق افغانستان را مخبره کرده اند.
از طرح دیگر در اتحاد شوروی و امریکا نیز صحبت از
قطع کمک های نظامی خود شد داده است که دولت افغانستان
در گیری است که شامل دولت افغانستان و مخالفین خواهد
شد.

اکنون علیرغم مواضع افراطی گلبدین حکمیتار که
اخیراً به عملیات نظامی خود شد داده است فکر راه حل
سیاسی مسئله افغانستان در اپوزیسیون نیز شوروی
بیشتری یافته است.
از طرفی امید آمریکا به سقوط دولت افغانستان به یاس

افغانستان، راه حل سیاسی نیرو های گیرد

بقیه از صفحه آخر
دارد، از جمله کناره گیری نجیب الله رئیس جمهور
افغانستان به مثابه پیش شرط انجام انتخابات، در آن عنوان شده
رنجانی و خامنه ای نیز در دیداری که سران
"مجاهدین"^{۲۸} با آنها داشتند اشاره ای به دولت افغانستان
نکرده اند.
دولت افغانستان نیز بر تلاش های خود برای مذکوره با
نیرو های مخالف برسد میز مذکوره و یافتن راه حل

آنچه از اکتبر می ماند

چنین دنیایی، بسیار فاصله داریم.

شاید امروز که عمر سوسایسیم استالیتی به پیمان
رسیده است، راه برای رسانی آرمانهای اکتبر باز شود،
آرمانهایی که جوهر اصلی آن را بنای جامعه ای می تندی بر
همیستگی تشکیل می داد.

هر چه از این دوره هفتاد ساله که گذشت بیشتر فاصله
بگیریم، نگرش تاریخی به آنچه اکتبر، هدف خود فرار داد
اما مستقیماً به آن رسید، امکان پذیر تر می گردد. زنگار ما
ماندگار یستند. آنچه می گذرد، آنچه برای ماندن آن باید
تلash کنیم، چشم انداز شاید دور دستی است که انقلاب
اکبر خیز شی برای گشودن راه به سوی آن بود.

منابع طبیعی و محیط زیست محدود کره زمین، هر روز با
شدت بیشتری فارت می شود. حتی هوا یکی که استشمام
می کنیم، از این قارت مصنون نمی ماند.

این است مقابت پسر؟ تاریخ، فراتر از این حریق برای
گفتگو ندارد؟
بشر، می واند و باید دنیایی بسازد که در آن، نه منافع

فردی آنی و مادی، بلکه احسان مسئولیت در برای
سرنوش خود و سایرین، همیستگی با دیگران و سلامی
آنی، منافع جمعی و آینده فرزندان ما، انتیزیست فر رکت
انسانها بشد، دنیایی که در آن، رشد آزادانه شخصیت فردی
رشد مادی و مفتوح کل جامعه پیوند خود را. ما هنوز از

باقیه از صفحه ۱۳

جامعه غرضه کرده است.

۹۵: در انتخابات ارگانهای قدرت محلی و استانی،
حزب کمونیست ایتالیا شکست جدی را متحمل شد.

نسبت به انتخابات شهرداری ها در سال ۸۵، شش درصد از
رأی های به نیروهای دیگر سپرده شد و نسبت به انتخابات
پارلمانی سال ۸۷، آرا ۴۰٪ کاملاً بیافت. این نتیجه در تغییر
صفحه اول می نویسد: "ایتالیا؟ کمی سوت راست!".

"لی، نتایج رای اکتبر شناخته شده این را می خواهد فر زندگی
است؟" جناح "نه" در پاسخ به این سؤال جواب مثبت
می دهد و از رهبری می خواهد تا گام های خود را بر اساس
نیاز و تغییرات موجود تنظیم شد. اکتوبر در پاسخ به اقلیت

می گوید: "به عقب باز نمی گردیم"^{۲۹} اکتوبر در نشست
رهبری در دهم ماه می گوید: "در تصادیجی دارم که
با پیشگیری در انتخابات ایتالیا، می خواهد فر زندگی
فر دشماره دو خوب می گوید": "ایپوزیسیون داخلی را
گردش برایت تجاوی خواهد کرد، بدوباره که این دسته تقسیم
می کند. اینباره این جواب از این جواد می خواهد این را
بر ارسال دنوا به خلیج، بدوباره که ابد و دسته تقسیم
می کند. اینباره انتخابات روى مضمون سیاست خارجی
نمکرک می شود. نقش ایالات متحده امریکا، همکرد
سازمان ملل متحده ایطالیه شمال - چنوب، مسئله فلسطین،
همه و همه مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. در این

برای اولین بار، اقلیت حزبی در مقابله تأثیرگذار می گوید.
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
آراش در منازعات داخلی، ولی این امر پنداش بدرآزاد
نکشید. تجاوی خواهد کرد که کویت و تضمیم دولت ایطالیا، مبتنی
بر ارسال دنوا به خلیج، بدوباره که ابد و دسته تقسیم
می کند. اینباره انتخابات روى مضمون سیاست خارجی
نمکرک می شود. نقش ایالات متحده امریکا، همکرد
در نشست که م باریخ ۱۵ مه بحث ها حول نتایج
انتخابات و سیاستهای اتخاذ شده به نقطه اوج می رسد.

اینگرav، رهبر اقلیت می گوید: "لی، نتیجه در مقابله
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
آراش در منازعات داخلی، ولی این بادشید. داله ما،
فر دشماره دو خوب می گوید": "ایپوزیسیون داخلی را
گردش برایت تجاوی خواهد کرد، اینجوس در پاسخ
می گوید: "بسیار آسان است که شکست انتخاباتی را بد
حساب جناح "نه" بتوانید".

در نشست که م تایید گشتند است که اکتوبر در نتایج
اینگرav، رهبر اقلیت می گوید: "لی، نتیجه در مقابله ایطالیا،
این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

این باره تأثیرگذار می گشود. در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
انتخاباتی اینچنانی حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
باشد. همانهای اینچنانی، حکم این بود که دیراول پاسخ گیری
که از این انتخابات این را در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،
در روز ۲۵ مه در مصاہدی با "رادیو ایطالیا" ،

رو، بعید نیست که انتخاباتی که در فضایی از بحرانها و درگیری‌های حاد ملی و مذهبی پرکار نموده، بعنوان شیوه رای‌برداری از هزب کنفرانس به عنوان جزوی باور دار است. همان‌طور که سالما در حکم مظمن اتحاد و پیکارچی هند بوده است و در انتخاب سیاسی از مردم، بیشترین توانایی را برای غله‌بازی باین بحران قادر است.

قدرت طلبی و بازی های سیاسی احزاب، بر و خامت ناشی از بحران های قومی و مذهبی می افرازید. آنها که بیش از همه به حزب کنترل بدبین اند، می گویند او ضایع فرقه بحران تر باشد، برابر این حزب پهلو است. حزب کنترل، تنهایزی است که در سراسر دنیا پایکاه و در میان همه گروههای مردم، طرفدار دارد. از این

هند: آغاز دوره‌ای دشوار

پیشنهاد از صندوق آخر

تنها زمینه‌ساز توطئه برکناری او بوده

ارتاش پاکستان که پس از مرگ ضیا الحق و پیروزی بن نظیر بوتو در انتخابات ۱۹۸۸ هرگز نقش خود را به عنوان هاملی مهم در پشت پرده سیاست پاکستان از دست نداد، اکنون با پیروزی نیروهای راستگاری^{۱۷} اتحاد دمکراتیک اسلامی^{۱۸} تضیین مایی بیشتری برای ادامه کنترل امور کشور پس از دست آورده است. بوتو که بعنوان نماده مرگز تنوونتی می‌داند از قبایل افغانستان را تغییر دهد، با سو استفاده از مقامش برای تحکیم قدرت خانواده خود، به دست خود بهانه‌های لازم را مخالفانش داد تا زمینه زیر کشیدنش از قدرت را فراهم کند. بدین ترتیب، امیدی که بسیاری از مردم پاکستان پس از سالان دیکتاتوری نظامی به بن نظیر بوتو بسته بودند، ناقچه‌گام ناند. نخستین تجربه زمامداری یک زن در یک کشور اسلامی، ناموفق بود.

بدست آوردن اماز آنجاکه تاجر نتوانست
به میزان بیش از ۱۵ درصد کل آراء از
هزل تاین پیشی گیرد، رای گیری به
دور دوم کشیده شد که قرار است روز ۳۷
نوامر (عذر) انجام گیرد.

عدم حیاتیت اصطلاح بر اینسیون حرب
محافظه کار از تاچر، از سوی بسیاری از
ناظران سیاسی بریتانیا به همان آغاز
پایان حکومت تاچر ارزیابی شده است.
این ناظران می‌گویند اگر هم تاچر بتواند
دور دوم رای کبیری را به سود خود تمام
کند، به سختی خواهد توانست در رقابت با
حزب کارگر در انتخابات مجلس عوام
پیروزی را از آن حزب محافظه کار کند.

ظاهرا بادر نظر داشتن این چشم انداز نامعلوم است که تاچر به حربهای روی آورده است که یک بار در جنگ مالویناس با آرژانتین، کارائیب خود را شنان داد و کوپیون بر طبق جنگ برا پیروزی در انتخابات. این بار جای رئیس‌جمهور ارژانتین را صدام حسین گرفته است. تاچر بار دفع اشتباه نایاب ترین مشی در مقابل صدام حسین است. نخست وزیر بربیتیانیا همچنان است موعد انتخابات را در یک ناصله پیش از یک ساله، خود تعیین و چند ماهه پیش از آن، اعلام کند. تاچر می‌خواهد با پیروزی مشترک با آمریکا در عراق، بر موج ناسیونالیسم و شوونیسم انتخابات را همبزد. اما اگر همه طبق محاسبات پیش‌نرو و چه خواهد کرد؟ آخرين خبر: هنگامی که شفیره به زیر چاپ می‌رفت، خبر رسیده که مارگارت تاچر از مقام خود استعفا داده است. در رای کیری برای احراز مقام رهبری حزب محافظه‌کار، که خود پیشود به معنی داده شدن نخست وزیری نیز خواهد بود، ماکیل هزل تاین و نیز داگلنس هردو وزیر خارجه و جان میجر وزیردار ایرانی کاپنه تاچر شد که ایندک

پاکستان: بی نظریہ

ماه گذشته انتخابات پارلمانی پاکستان در ظایی از قدرت نهایی ارتش این کشور برگزار شد و به شکست مجبوب مدد به رهبری بی نظیر یوتو نخست وزیر پیشیان انجامید. مخالفان یوتو که در التلاف یوتو مورد حمایت اسلامیان و شلام اسحاق خان رئیس جمهور متحده شده بودند، تو استند به اکثریت پیش از حد انتظار نیرو مندی در مجلس دست یافتند. یوتو مخالفان خود را به تقلیل در انتخابات معتقد کرد. بدینال شکست یوتو، نوزاد شریف رهبر مخالفان وی به عنوان نخست وزیر جدید، دولت خود را تشکیل داد.

بنی نظیر یوتو تنها ۲۵ ماه حکومت کرد. او در ماه مرداد ۱۳۷۶ ثذبته توسط شلام اسحاق خان رئیس جمهور برکنار شد. را که بنی نظیر آن را فریق تائونی می داند، دخالت یوتو و همسرش در فساد و اختلاس و سوسو استفاده یوتو از مقام خود اعلام کرد. اما بنی نظیر یوتو پس از برکناری گفت اتهاماتیکی که متوجه او و همسرش شده،

طریق داری می کند. اما در حزب

گرفت و پلیس و نیروهای امنیتی را برای متوقف کردن اقدامات هندوهاست تندرو وارد محل کرد. این مشی دولت سینگ، باش تطلع حمایت حزب هندوی افراطی بیان ایجاد شد.^{۱۰} از کاریته سینگ شد.

یک موضوع دیگر دولت پرداخت و بحث در هنده، طرح دولت سینگ برای اختصاص سهمیه میعنی از پست ها و مشافل به واسطه ای که است^{۱۱} ای پایین بوده است. پاکستان به "کاست" هایی پایین طرح، "کاست" هایی بالا را که هنوز نفوذ سنتی خود را حفظ کرده اند، در مقابل دولت قرارداد.

بالاخره، باید از گسترش مخالفت با سینگ در درون حزب جاناتا- دال نام برداشت که در نهایت به انتساب حزب و سقوط دولت انجامید. چاندر اشکار نخست وزیر فعالیت در طول حیات سیاسی خود برای رسیدن به نخست وزیری به احزاب مختلف، از حزب کنگره گرفته تا حزب جاناتا، پیوسته است. او اکنون می‌گوید که در توافق و اتحاد با حزب کنگره راجیو گاندی، می‌خواهد بر این تعابی هند فائیت آید. راجیو گاندی نیز گفته است که حمایت حزب او از دولت جدید، "بلایدی و شرط- خواهد بود. آنچه مسلم است، این است که حزب کنگره اکثر در این ادعا صاف نباشد و تنها برای فراهم کردن زمینه چفت می‌گشست به تدریت، مانور اخیر را انجام داده باشند وارد دوره‌ای دشوار از بی شایسته است، دوره‌ای کم در آن،

انشغال در حزب جاناتا - دال که انتخابات نوامبر ۱۹۸۹ در راس اتحاد گستردگی از مخالفان حزب کنکره برای حزب پیروز شد، بدنبال مواجه شدن دولت وی پی. سینگ با یک رشته بحران های سخت ناشی از درگیری های قومی و نازاری ها در نقاط مختلف هند روی داد. در ایالت کارناتاکا کشییر واقع در شمال هند، مسلمانان افرادی با حیات پاکستان و ایران برای جدا شدن از هند فعالیت می کنند و خامت اوضاع را در این منطقه تا حد یک جنگ داخلی شدت بخشیده اند. افرادیون سیک در ایالت پنجاب که آنها نیز از پاکستان بول و اسلحه می گیرند، به فعالیت های تروریستی و تجزیه طلبانه خود ادامه می دهند. در ماهیات اخیر یک درگیری دیگر نیز تاحد یک بحران چهار چندی گسترش یافت و بر مشکلات دولت هند افزود: در گیری میان هندوهای افرادی و مسلمانان که به ویژه در شهر آبودیا حدث یافته است. در این شعر از چهار سده پیش بدن سو مسجدی به نام "بابر" قرار دارد. هندوهای افرادی که می گویند آبودیا محل تولد راما ما خدا هندو هست، می گویند خواهند این را در تاریخ تکنند و تابه حال چندین بار به قصد حمله به این مسجد، راهپیمایی های بزرگ شریطت داده اند. دولت وی پی. سینگ در پرایر این افرادیون، مشی سرخستانه ای در پیش

بریتانیا: جنگ قدرت در حزب محافظه کار

دستگاه امنیتی می‌شوند. این سیاست دو خانه‌ای است: دادخواهی و محور نزدیکی و امنیتی را ترتیب می‌کند. راه نجات از حل شدن در اتحادی می‌دانند که در اروپا یا شرقی شکل می‌گیرد. در مقابل، طبق گستردگی از نیروهای سیاسی در بریتانیا، این سیاست تا پر را متفاوت با تنافع سیاسی و اقتصادی کشور می‌داند. آنها معتقدند که مشی تاچر به انزواجی بریتانیا در اروپا می‌انجامد، انزواجی که جز لطیف سیاسی و اقتصادی، نتیجه‌ای نخواهد داشت. این نیروها می‌گویند بریتانیا با تأخیر در پیوستن به بازار هشتگر، دچار لطمہ سنتگینی شد زیرا رمانی به این جامعه پیوسته که دیگران، به ویژه آلمان فدرال و فرانسه، نفوذ خود را در آن تحکیم کرده بودند. به عقیده طرفداران اروپا در بریتانیا، این بار نیز تأخیر بریتانیا در نیابت به ضرر خود این کشور تمام خواهد شد.

حسب کارل مارکس، این نظریه

در ماه گذشته، حزب محافظه کار، حزب حاکم بریتانیا، شاهد اتفاق جنگ علی‌نی قدرت میان جناب هارگارت تاچر نخست وزیر از یک سو و جبهه مخالفان درون حزبی او از سوی دیش بر بود. از دو سال پیش بدین سو، بر جسته‌ترین چهره مخالف تاچر در حزب محافظه کار، مایکل هزل تاین وزیر دفاع پیشین دولت تاچر

هزل تاین در سال ۱۹۸۸ به علت اختلال نظر با تاچر در مورد سنارش هیلی کوپتیرهای نظامی، از وزارت دفاع استغنا شد. در آن زمان، هزل تاین می‌خواست هیلی کوپتیرهای مورد نیاز ارتش بریتانیا را از یک کنسرسیوم اروپایی خریداری کند، در حالی که تاچر مایل به معامله با فروشنده‌گان امریکایی بوده است.

این اختلاف ظاهرا کوچک، در میان حال مظہر اختلاف بسیار بزرگتر است که در حزب محافظه کار بریتانیا شگل گرفته است. در یک سو، تاچر و گرینبیندی موسوم به ناسیونالیست قرار دارند که اتحاد لندن - واشنگتن - را خواهند از ادامه بریتانیا در جامعه اروپا می دانند. تاچر در سالهای اخیر هر آنچه در توان داشته انجام داده است تا زور وحدت اروپا را فربی بین سرعت دارد نظر سایر اروپایی ها، به ویژه ایمان ندرال، پیش نمود. جناح تاچر می داند که در اروپای متعدد فرد، ایمان نتش "رمهیر ارکستر" را خواهد داشت. این جناح برای عدم پذیرش مژمومنی ایمان، به روحيات و احساسات ناسیونالیستی در بریتانیا متوجه می شود. بسیاری از مردم بریتانیا باشد یاد آورند تجربه جنگ جهانی دوم، دل

قانون بیمه بیکاری در چنبره بلا تکلیفی

همواره هر صه دست اندازی های چپا و لکرانه دولت بوریزه وزارت خانه های بیداشت و کار بوده است و تنها باخششی که بر اداره این سازمان و چکوئی دخل و خرج آن کمترین دخالت و نظایر ندارد طبقه کار گراست.

بیمه بیکاری جزوی از حقوق تامین اجتماعی است. همانطور که برای بازنشستگی و سوانح و از کار افتادگی، مقرری معینی تخصیص می باید، در شرایطه هم امنیت شغلی (از دست دادن شغل) یا عدم دستیابی کار گر و کارمند به شغل مناسب با توان و تجربه خود، نیز باید زندگی اش تامنگام بازگشت به کار تامین باشد. یعنی همه نیروی کار بیکار شده و یا در سمتگویی کار گرد در سن کار قرار دارند رازی پوشش تراوردند. دریافت حق بیمه بیکاری باید شرایطی را داشته باشد.

با الاخره، ملاوه بر تعهدات دولتی، لازمه اجرای یک چنین قانونی است که کارگران و کارمندان از طریق نمایندگان خود، یعنی تشکیل ها و کانون های صنفی، بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی و چکوئی ارائه خدمات تامین اجتماعی (بطور مشخص، بیمه بیکاری) نظارت داشته باشد.

کارگران، خواهان چنان قانون بیمه بیکاری ای مستند که نه تداوم دمنده بیکاری بلکه بضم خود، در خدمت تامین اشتغال باشد، مقرری مامانه رامتناسب با سابقه کار، تخصص، مزینه زندگی و تعداد افراد تحت تکفل تعیین کند و مدت برداخت اثرآ نیز تا زمان ارجاع کار متناسب با توان، تجربه و تخصص فرد بیکار الزامی کند. وبالآخر نتشکل های صنفی کارگران و کارمندان را در نظرات بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی به رسمیت بشناسد.

از ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تن تجاوز نمی کرد. پس است که این رقم در پیر پیش از ۴ میلیون کارگر شافل در بخش های مختلف تولیدی و خدماتی، رقم پایین است. مطابق اخرين آمار ارائه شده از طرف دولت، رقم کارگران بیکار حدود ۲ میلیون نفر و کارگرانی که در بیکاری پنهان بسیار بیش از ۵/۳ میلیون نفر است. یعنی همه اینجا با اضافه کارگران شاخصی که زیر پوشش تامین اجتماعی قرار ندارند، جمیعیت دریافت حق بیمه بیکاری محرر وند.

- برای همان بخش از کارگرانی که محسوب مغایرات قانون بیمه بیکاری مستند نیز محدوده زمانی دریافت حق بیمه با تعیین بارگشت آنها به کار، مرتبط مشروط و متشدد است. باین ترتیب کارگران اخراجی و بیکار شده، پس از ۳۸ یا ۵۰ ماه دریافت مستمری ناجیز حق بیمه، به ۲۷ ماه خواهند شد. رژیم جمهوری اسلامی با اقتصاد ورشکسته و بحرانی اش نمی تواند بازگشت کارگران بیکار شده را تعیین کند. لذا تحت قانون پرداخت حق بیمه بیکاری، عملاً خواهد همان مزینه باز خرد را در انساط

و برای کارگران متداول به ۴ سال کاوش داده بود. در مصوبه

تعهدی رادر بازگرداندن آنان بر سر کار به گردند نگیرند.

- مطابق مصوبه مجلس، سازمان تامین اجتماعی مکلف شده است که از اراضی تملکت راهی خود را در رابطه با حسابی در آمد حق بیمه و پرداخت مقرری بیمه بیکاری، به وزارت بدهد، وزارت کار و شورای اقتصاد بدهد و هیچ اشاره ای به نتشکلها و کانون های کارگری در کنترل اجرای مینی تاون سود و بیمه بیمه بیکاری است. سازمان تامین اجتماعی که از قبل دریافت حق بیمه کارگران طی چندین سال میلیارد دهاتون بیش از ۶۰ هزار شهروند را در تأمین اجتماعی و پنهانگردی از کارگران طی درمانی، از کار افتادگی و بازنشستگی میکند، نه یک سازمان اجتماعی و خدماتی بلکه نهادی بورکرایک و انتقالی است. در آمد هنگفت این سازمان

به این مقدار اجتماعی ابعاد نگران کننده ای داده بود. نارضای و مقاومت کارگران همیشه سیاست اخراج های دسته جمعی - که تحت عنوان نیز آمیز «کم کردن نان خورهای صورت میگرفت - این نگرانی را در حاکمیت تقویت کرد. بطور مشخص در این وضعیت، دولت با دو مشکل جدی روی بود: نخست اینکه کارگران پس از تجزیه به بندهای باز خردیده همیشه بیکاری از میانهای کارگران پس از آسانی زیرباره حل «کذابی باز خردیده نمی فتد. دوم اینکه تداوم پرداخت ترا مت بای خردید با وضعیت مالی رژیم نیز مخفوکی نداشت. لذا دولت در صدد آمدت با تدوین لایحه بیمه بیکاری، برای کارگرانی که اخراج شده بودند و یا در لیست اخراج قرار داشتند، در واقع، هزینه باز خردید را بطور قسطی، آنهم تحت قانون حق بیمه بیکاری، ماهیانه (ظری ۳ سال) پرداخت کند. این «تدبیر» هم ناظر بر کاوش فشار مالی دولت بود و هم معطوف به و انتشار اسلامی و فیض اسلامی، قانونی تجیه کننده از یکسو با اینکه که در هر صورت مازیں تامین اجتماعی معمول است تغییراتی در جهت متفق، تصویب شد و تمویل شورای نگمانی گردید. شورای نگمانی بیمه بیکاری از سرگرفته شود. کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس سعی کرده بود تا بر توجه و انتباش از قوانون نیز در جریان «تحصیح» نهادی، آنرا آنچنان شرع پسند کرد که دیگر نه تنها برای کارگران، بلکه حتی برای میانهای کارگرانی که اخراج شده بودند و یا در لیست اخراج قرار داشتند، نتیجه آن شد که کار تدوین قانون بیمه بیکاری از سرگرفته شود. کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس سعی کرده بود تا رجهمه و انتباش از قوانون نیز در جریان «تحصیح» کشور اسلامی و فیض اسلامی، قانونی تجیه کننده از یکسو با اینکه که در هر صورت مازیں تامین اجتماعی معمول است تغییراتی داشته باشد و از سوی دیگر متناسب با قوالب شرعاً بیکاری، ماهیانه (ظری ۳ سال) پرداخت کند. این «تدبیر» هم ناظر بر کاوش فشار مالی دولت بود و هم میدانست و میداند که کارگران معاواره خواهان تعیین حق کار و انتباش شغلی و یا الاقل تامین حق بیمه بیکاری را برای دریافت فرامت قرار داشتند. رژیم اینچنان شور کرد که کسی را دیگر رفیت چشیدن هم نهادی.

رجحان قانون بیمه بیکاری بر دریافت جیغ داشت.

و اینکه پس از ۴ سال، پازگو یا آش مان است و کاسه

سیان، عامل اصلی تداوم این دور بالطل، قبل از هر چیز

مواضع فوق ارجاعی شورای نگمانی در زمینه حقوقی، نیز

تامین اجتماعی است. از نظر آنها، قانون کار

صدر صد اسلامی، همان پیش نویس قانون کار توکلی است

و انتباش موضعی نیز از جمله بیمه بیکاری بزعم

مقایسه با مصوبه ۴ سال پیش، ازین خصیحت

برخی وجود، بنده است. اما در مجموع میتوان گفت

چنین مثبت آن پیشتر شده است. از جمله اینکه مزینه

حق بیمه که $\frac{3}{5}$ مزد می شده است، توسطکار فرماتامین

و پرداخت می شود و $\frac{5}{5}$ که بعد از کارگران خف

شده است. دوام اینکه طول مدت دریافت حق بیمه بیکاری

از اینکه مدت پیش از کارگران ضم ترجیح آن بر

شود و میتواند اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

خود را دارد و اگر خواست، مبلغی بعنوان صدقة و اتفاق

پرداخت خواهد کرد!

اما گویا فشار شرایط و نیز الزامات حکومتی، تیغ این

منطق زنگاریسته را کندر کرد و دایره ترویج آنرا هم مددتا

به حجره ها و حوزه های دریافت تدارد. سرمایه دار رانیده چبور

خود را دارد و اگر خواست، مبلغی بعنوان صدقة و اتفاق

تیغ اینکه ازین پیش شد.

زینه و انگیزه تدوین بیمه بیکاری.

تدوین و اجرای قانون بیمه بیکاری است. یک الزام حقوقی

تفویضی و یا توچیمات اخالگران شرعاً، یک الزام حقوقی

اجتماعی است. رژیم جمهوری اسلامی نیز پس از شکست

منضחانه‌های اسلامی متناسب کار در شرع اسلام

الزم را در مدهم میگردید. اینکه در اینکه قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم باشد، اینگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

رسیده بود، صدها هزار کار در اثر رکود توسعه اخراج و یا

اجبار از خردیده شده بودند. تشیدی بسیاست دامنه بیکاری،

بتعیه گسترش مناسبات ۰۰۰

لاریجانی معاون رنسنگانی در روزنامه اطلاعات در

خردادهای جنگالی در کشور شرعاً، و موج تهاجم

نیزه های تندرو و حکومت به نویسنده و سیاست نزدیکی به

فرش شد که سرانجام به هفت شنبه موقت و مصلحتی

رسانی کرد. رفیع شد که اینکه ازینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه ها و الزامات حقوقی، مشوق و محروم

رژیم جمهوری اسلامی میگردید. اینکه در تدوین قانون بیمه بیکاری

بیش از آنکه انگیزه های اقتصادی و تبعات اجتماعی و

سیاسی آن موشوده است. تدوین قانون بیمه بیکاری

جمهوری اسلامی تenza مانی در دستور کار ترا رفت

است. سیل اخراجی های دسته جمعی در سال ۵۰ با وجود خود

تعریف: جزوی از سیاست رژیم

در ماه گذشته یکی دیگر از مخالفین رژیم در خارج از کشور ترور شد، گرچه از ترویجستاناً نشانی که همیشه آنها را اثبات کند، بر جانمانده است، اما هموم نیزهای بیویزیسیون نظر به سابقه امر، رژیم جمهوری اسلامی را بحسب این ترجیح دانسته‌اند.

دکتر سیرووس الغی که آین بار هدف تروریسم قرار گرفت، از مسٹولین سازمان در فش کاوایی^۱ بود و سختگویان این سازمان اعلام داشته‌اند که رژیم شامل این ترور بوده است.

سازمان ما توسل به ترور رجالین را شناسه هجرا و در مادنگی رُزگار می داند و آنرا توبیا محکوم می کند. ترور اخیر نه اولين و نه آخرين مورد از اين گونه اقدامات جنایتکاران است. جمهوري اسلامي سالهاست که ترور مخالفين را به سطح يك يك سیاست از تقدیم داده است و تعميم به سیاري از ترورها به وسیله مقامات عالي رته و زیب اتخاذ می گردد.

برای مقابله با تروریسم رژیم، قبول از همه باید بررسی
افکار عمومی جهانیان تکیه نمود. البته جمهوری اسلامی
نسبت به افکار عمومی بی توجه است، اما دولتها فربی
ناگزیرند بازتاب تصمیمات خود در افکار عمومی را مورد
توجه قرار دهندو در مقابل تعبیلات عمومی واکنش نشان
دهند. مردم اروپا نمی پذیرند که یک رژیم رژیون
و سلطنتی از آن سوی دنیا به کشورشان تروریست اعزام

کن تادر روز روشن فردی را که همایند بعیه سپروردان در
کنار شان زندگی می کند و یا بد در پناه قوانین از امنیت
جانی بر خور دار باشد، ترور نماید.

تجربه نشان داد که اینستن دو نوعی ارزوهای در مقابل این قابل چنایتیها، تحت تاثیر ملاحظات دیپلماتیک و منافع آنها را بردارد و اگر نشان افتخار معمولی و جوادناه باشد، آنها این احتمالی را دارند که در معاملات سیاسی اینگونه تجاوزات اشکار به حریم حاکمیت شان را نادیده

از سوی دیگر چمھوری اسلامی که امر و زیر بیش از
زمان خود را به فرب نیازمند احساس می کند نمی تواند در
مقابل اشتغال و نشان دولتی های فربی بی تفاوت باشد. از اینرو
اشنازی تبدیل کاری های رژیم در میان نیروهای ترقی خواه
جهان نه تنها در خدمت تعصیت موقعيت رژیم قرار
می کنند بلکه قادر است از طریق انکار علومی بر دلخواه
از طریق آنها بر رژیم فقهاء اعمال نشار کند و در تداوم خود
به محارث روریسم صادراتی منجر گردد.

درباره انتشار اسناد
و مباحثات کنگره

تصمیم شورای مرکزی سازمان جمیت انتشار استناد ارائه شده به کنفره نخست و مباحثاتی که در کنفره پیرامون گذشت سازمان، هویت و برنامه سیاسی سازمان انجام گرفت انتشار اسازمان تجیه مقدمات کارآغاز نمود. اکنون به اطلاع لامقندان می‌رسد که استناد و مباحثات آماده انتشار است و به صورت ضمیمه شماره آینده نشیره کار منتشر خواهد شد.

به برنامه های رادیوی حمتكشان ایران گوش فرآد هید!

KAR	NO. 81 NOV. 1990
Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA	حساب باشکی : آدرس :
AUSTRIA_WIEN BAWAG NR. 02910701-650 DR.GERTRAUD ARTNER	

راه حل سیاسی نیرو می گیرد.

اداره کاری سازمان درگروپسیج همگانی

خطاب به اعضاء و همکاران
پیرامون تنگناهای مالی سازمان

شورای مرکزی سازمان در دواجلas پی در پی به بررسی تئاترهای مالی سازمان و چگونگی رفع آنها پرداخت. در نظری بحرانی که جنبش چپ را فراگرفته است، وضیعت مالی را نمی‌توان از مجموعه حیات سازمان تکثیر نمود و در این فرمۀ انتظارات متفاوتی داشت. شورای مرکزی با در نظر داشت این واقعیت کویید تا دشواریهای مالی اجتناب نایابیز از تئاترهای قابل اجتناب تکمیل نماید و باوقوف به اینکه رسایر از مشکلات مالی تا تغییر بجدی اوضاع و احوال سیاسی ادامه خواهد یافت، برای حل آن بخش از مشکلات که در مختصات کنونی قابل رفع نداند، حاره اندیشه کنند.

کاستن از هزینه ها ترا مرحدی که ممکن باشد، نخستین تدبیری که شورا برای خلیه بر مشکلات مالی اندیشه دارد و از آنچه که در چارچوب دستگاه رهبری کنونی و حجم فعالیت امروز سا زمان، کامیابیش از این هزینه ها ممکن نیست، شورا تصمیم گرفت تا اصلاحاتی در ساختار دستگاه مرکزی سازمان در جهت حداقل هزینه هایی که در اولویت نیستند به عمل آورد. اصلاح ساختار رهبری را دلالت متعددی اجتناب ناپذیر کرده است که از جمله آنها مشکلات مالی است پاسایر دلالل این کار می توان در جای

اصلاح ساختار خواهد توانست از بار مزینه‌ها بکامد. اما طبق پرآوردهای گروه کار عالی با سطح فعلی حمایت

فکایین در صورت اصلاح ساختار بیز نمی نوان تعادلی میان دریافت ها و پرداخت های ایجاد کرد.
از زبانی شورا آنست که اگر تمهدات مربوط به اصلاح

ساختار به اینجا در آید، به اندی حمایت همراهی افکار و هوازیان، نیازی به کاستن از سطح فعالیت سیاسی سازمان خواهد بود. اما حمایت موثر مقدماتی گروآست

که کارسازی از وضعيت های تعیینه و در اختیار ساختگاه قرار گیرد، از اینtro تعیینه این گزارش در شورا هم دستاکید قرار گرفته و گروه کار مالی موظف شد تأثیر تعیینه و منظرسازی طبق تعیینات سازمان پس از دریافت این گزارش، بعثت متوانند با همین دشواری هایی که شورا ایش رو دارد آشنا شوند و میان بر سرگینی که امن و زاد دشواری هایی بالی بر دوش اعضای شورای مرکزی و گروه های کار تحمیل می کند و میزان تلاشی که اعضاؤ هم اداران برای رفع این دشواری ها انجام می دهند، رابطه های معقول برقرار سازند.

در همین حال، همین امروز نیز در ک دشوار اینها مالی هدایت سازمانی که روندهایی به شدت فرساینده چند ساله اخیر را پشت سردارد و بسیار به کندی از عوایض سوپر سایسیز در دناتک ناصله می‌گیرد؛ دشوار نیست.

شورا با علم به اینکه فعالین و دوستداران سازمان،
دشواری اوضاع وادرک می‌کنند و برای غلبه بر موانع، کمر

همیت حواهند بست؛ تضمیم گرفت که باز دیگر مشکلات را مخاطب قرار دهد و خواستار پسیج همه نیروها و امکانات ای فلاند بخواهد.

برای تبدیل پریمران مانند گرمده، در این راستا مقدمات پارتو روی است که مسئولین، اعضاء و هاداران سازمان همه ابتكار و خلاقیت خود را برای فراهم آن، در کارکرد اداره کارگزاری داشته باشند.

پیشنهاد می کند که در همه سازمانهای حزبی جلساتی به منظور راهجویی و تهیه امکانات سازمانی تشکیل شود تا فعالیت اداری این اجنبیات خود را انجام دهد.

حراسته بودند و آنها شورا تصمیم گرفت که از همه رفاقتان خلاوه بر اینها شورا تصمیم گرفت که از همه رفاقتان خلاوه بر اینها شورا تصمیم گرفت که از همه رفاقتان خلاوه بر اینها شورا تصمیم گرفت که از همه رفاقتان

در حقیقت سند مزبور به مسکن اشاره نمایند که مسکنی کوچک بجزی
نهان وام در اختیار سازمان قرار دهد و باز پرداخت وام
از طریق کسر منظم در صدی از حق قضویت انجام پذیرد.
محبتن. تصمیم فتح شد تا قضیه کمک مالی منتشر

شروع می‌کنند سازمان را این باره، است که این
گردد.

تمهیدات شور خواهد داد، اگر فعالیں و دوستداران سازمان بادرک ضرورت و اهمیت مسئله و بار وحیه‌ای احسادگر باز، دیداران بگذارند، شو، انسنت به تحقق این

امر خوشبین است و برای این خوشبینی دلایل زیادی وجود دارد.